

Assessing the capacity of the international legal system in prosecuting crimes and reparations for the Third Imposed War against Iran

Abstract

Contemporary armed conflicts have demonstrated that traditional patterns of international accountability are no longer, by themselves, capable of effectively addressing conduct in violation of international law. States are therefore increasingly compelled to employ criminal, legal, diplomatic, media, and humanitarian mechanisms in a coordinated and complementary manner. Adopting a descriptive-analytical approach and relying on library-based research, this study examines the capacities of international criminal law, public international law, international humanitarian law, international environmental law, and diplomatic mechanisms in response to acts attributed to the United States and the Israeli regime against the Islamic Republic of Iran. In this context, particular attention is given to the jurisdiction of the International Criminal Court, the principle of universal jurisdiction, the potential use of fact-finding mechanisms, the role of international documentation and evidence preservation, the legal status of the Strait of Hormuz, responsibility arising from environmental damage, the destruction of cultural heritage, and the capacities of relevant specialized international institutions. The findings demonstrate that, within the contemporary international legal order, legal and public diplomacy, non-governmental organizations, media institutions, and diplomatic missions can play a significant role in establishing international legitimacy, shaping and managing narratives, and increasing the political and legal costs associated with conduct contrary to international law. The study further finds that, although the international system remains substantially influenced by disparities in power and political considerations, the strategic and multilayered utilization of legal and diplomatic instruments may contribute to establishing international responsibility, reducing impunity, and strengthening Iran's legal and political position. The article ultimately concludes that the success of states in contemporary conflicts does not depend exclusively on military hard power; rather, it is increasingly contingent upon their capacity to integrate legal, diplomatic, humanitarian, and media instruments in a coherent strategy aimed at generating international legitimacy, enhancing accountability, and effectively articulating their position within the international legal order.

Keywords: International Criminal Law, Legal Diplomacy, Legal Regime of the Strait of Hormuz, United Nations, International Legitimization.

ظرفیت سنجی نظام حقوقی بین‌الملل در پیگیری جنایات و غرامات جنگ تحمیلی سوم علیه ایران

چکیده

تحولات مخاصمات معاصر نشان داده است که الگوهای سنتی پاسخگویی بین‌المللی، دیگر به‌تنهایی قادر به مواجهه مؤثر با رفتارهای ناقض حقوق بین‌الملل نیستند و دولت‌ها ناگزیر از بهره‌گیری هم‌زمان از ظرفیت‌های کیفری، حقوقی، دیپلماتیک، رسانه‌ای و بشردوستانه می‌باشند. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، به بررسی ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل کیفری، حقوق بین‌الملل عمومی، حقوق بشردوستانه، حقوق بین‌الملل محیط زیست و سازوکارهای دیپلماتیک در قبال اقدامات منتسب به ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. در این راستا، صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، اصل صلاحیت جهانی، امکان بهره‌گیری از سازوکارهای حقیقت‌یاب، نقش مستندسازی بین‌المللی، وضعیت حقوقی تنگه هرمز، مسئولیت ناشی از آسیب‌های زیست‌محیطی، تخریب میراث فرهنگی و ظرفیت نهادهای تخصصی بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در نظام بین‌المللی معاصر، دیپلماسی حقوقی و عمومی، سازمان‌های مردم‌نهاد، رسانه‌ها و سفارتخانه‌ها، نقش مهمی در مشروعیت‌سازی، مدیریت روایت و افزایش هزینه سیاسی و حقوقی رفتارهای ناقض ایفا می‌کنند. همچنین یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که اگرچه ساختار نظام بین‌الملل همچنان تحت تأثیر نابرابری قدرت و ملاحظات سیاسی قرار دارد، اما بهره‌گیری هوشمندانه و چندلایه از ظرفیت‌های حقوقی و دیپلماتیک می‌تواند در تثبیت مسئولیت بین‌المللی، کاهش بی‌کیفرمانی و تقویت موقعیت حقوقی - سیاسی ایران مؤثر باشد. در نهایت، مقاله نتیجه می‌گیرد که موفقیت دولت‌ها در مخاصمات نوین، صرفاً وابسته به قدرت سخت نظامی نیست، بلکه به توانایی آن‌ها در تلفیق ابزارهای حقوقی، دیپلماتیک و رسانه‌ای برای تولید مشروعیت بین‌المللی بستگی دارد.

کلیدواژه‌ها: حقوق بین‌الملل کیفری، دیپلماسی حقوقی، رژیم حقوقی تنگه هرمز، سازمان ملل متحد، مشروعیت‌سازی بین‌المللی

مقدمه

تحولات اخیر غرب آسیا و گسترش رویارویی‌های نظامی منتسب به آمریکا، رژیم اسرائیل و برخی دولت‌های همسو علیه جمهوری اسلامی ایران، بار دیگر یکی از بنیادی‌ترین پرسش‌های حقوق بین‌الملل معاصر را احیا کرده است: آیا نظام حقوقی بین‌المللی موجود،

در مواجهه با قدرت‌های نظامی و سیاسی بزرگ، واجد ظرفیت واقعی برای تعقیب جنایات جنگی، جبران خسارات و تضمین پاسخگویی بین‌المللی است؟ این پرسش صرفاً ناظر بر امکان تعقیب کیفری چند رفتار خاص نیست، بلکه به بحران عمیق‌تری در نسبت میان قدرت، حاکمیت و عدالت بین‌المللی مربوط می‌شود؛ بحرانی که در آن، هم‌زمان با توسعه نهادهای پاسخگویی بین‌المللی، محدودیت‌های ساختاری نظم بین‌المللی نیز بیش از پیش آشکار شده است. در چنین بستری، بررسی ظرفیت‌ها و موانع حقوقی تعقیب جنایات ارتكابی علیه ایران، فقط یک مسئله نظری محسوب نمی‌شود؛ بلکه بخشی از تلاش گسترده‌تر برای بازتعریف جایگاه حقوقی و سیاسی ایران در عرصه بین‌المللی است؛ جایگاهی که به واسطه پروژه آمریکایی- صهیونی ایران‌هراسی، سال‌هاست به تهدید بزرگ علیه صلح و امنیت منطقه و جهان تعبیر می‌شود (صالحی، موسوی و توتی، ۱۳۹۲: ۱۸). بهره‌بری از ظرفیت‌های نسبتاً مغفول سازوکارهای بین‌المللی، مقابله با روایت‌های یک‌سویه‌ای است که طی دهه‌های اخیر، ایران را نه در مقام «قربانی نقض قواعد بین‌المللی»، بلکه عمدتاً در مقام «متهم امنیتی» بازنمایی کرده‌اند.

حملات علیه زیرساخت‌های غیرنظامی، تأسیسات حیاتی، محیط زیست، اماکن فرهنگی و تاریخی، امنیت دریانوردی و زیرساخت‌های اقتصادی، تحریم‌های اقتصادی و محاصره دریایی علیه ایران نشان می‌دهد که مخاصمات معاصر دیگر صرفاً در میدان‌های سنتی نبرد رخ نمی‌دهند، بلکه طرف‌های متخاصم همواره برای دستیابی به اهداف خود از ابزارها و راهبردهای متعدد بهره گرفته‌اند و فقط به کارزارهای نظامی سنتی محدود نیستند (Hajdin, 2021: 277-278). از همین رو، تحلیل حقوقی چنین وضعیت‌هایی نیز نمی‌تواند محدود به چارچوب کلاسیک حقوق مخاصمات مسلحانه باقی بماند. در واقع، فهم جامع این تحولات مستلزم پیوند هم‌زمان حقوق کیفری بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، حقوق بین‌الملل دریاها، حقوق بین‌الملل بشر و حتی سازوکارهای نوین دیپلماسی حقوقی و جنگ روایت‌ها است. مخاصمات اخیر ایران و انفعال و بی‌طرفی بسیاری از کشورها، نشان از رویکردی خشی و دوگانه نسبت به مشروعیت سیاسی- بین‌المللی ایران دارد. رویکردی که فرصت جبران انفعال حقوقی و روایت‌گری بین‌المللی ایران را فراهم ساخته است. از این رو بستر جنگ ترکیبی^۱ که برخی آن را جنگ غیرخطی^۲ تعبیر می‌کنند، ضرورت رجوع هوشمندانه و همه‌جانبه ایران به مراجع بین‌المللی را دوجندان ساخته است. در واقع گستردگی مخاصمات معاصر، درگیری‌ها را گاهاً به جنگ حقوقی^۳ نیز کشانده‌اند و تحلیل ظرفیت ابزارهای حقوقی عرصه بین‌الملل از ملزومات جنگ حقوقی است که کنشگری ایران را می‌طلبد.

در این میان، دیوان کیفری بین‌المللی به‌عنوان یکی از ابزارهای بین‌المللی همچنان مهم‌ترین نهاد دائمی تعقیب جنایات بین‌المللی به شمار می‌رود؛ نهادی که اگرچه در نظریه، تجلی‌گذار از «بی‌کیفرمانی» به «پاسخگویی کیفری جهانی» تلقی می‌شود (نژندی‌منش، علویان و دادگر، ۱۳۹۵: ۹۲)، اما در عمل با محدودیت‌های پیچیده صلاحیتی و اجرایی مواجه است؛ از جمله اینکه صلاحیت رسیدگی به جنایات برخی کشورها را ندارد و در صورت صلاحیت نیز در مواردی مثل حکم بازداشت نخست وزیر اسرائیل (نتانیاهو) از سازوکارهای اجرایی کافی جهت اجرای تصمیمات قضایی برخوردار نیست. در نتیجه، عدالت کیفری بین‌المللی در مواجهه با قدرت‌های بزرگ، بیش از آنکه تابع صرف قواعد حقوقی باشد، متأثر از ملاحظات ژئوپلیتیک و موازنه قدرت است. همین امر سبب شده است که ادبیات این نوشتار، کارکرد نهادهای کیفری بین‌المللی را نه صرفاً در اجرای کامل عدالت کیفری، بلکه در مستندسازی

^۱. Hybrid war

^۲. Non-linear war

^۳. جنگ حقوقی گرچه در ادبیات غالب، به سوءاستفاده از قواعد و ابزارهای حقوقی (حقوق‌شویی) اطلاق می‌شود (فرجی، ۱۴۰۳: ۳۸۱-۳۸۶). ولی در این نوشتار معنای مثبت آن مقصود است که عبارت است از استفاده حداکثری مشروع از ظرفیت‌های حقوقی برای کسب یا حفظ مجموع برتری در جنگ.

نقض‌ها، تولید روایت رسمی حقوقی، افزایش هزینه حیثیتی رفتارهای متخلفانه و ایجاد فشار مشروعیتی بین‌المللی جست‌وجو کند. از همین رو، رجوع به دیوان، هم‌زمان واجد ظرفیت‌های مشروعیت‌ساز، مستندساز و فشارآفرین بین‌المللی است.

افزون بر سازوکارهای کیفری، پاسخ مؤثر به جنایات بین‌المللی، صرفاً از مسیر دادرسی قضایی حاصل نمی‌شود. کمیسیون‌های حقیقت‌یاب، گزارشگران ویژه، شورای حقوق بشر، کمیساریای عالی حقوق بشر، یونسکو، یونسف، سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و حتی رسانه‌های فراملی، امروزه بخشی از سازوکار چندلایه پاسخگویی بین‌المللی را تشکیل می‌دهند. مستندسازی حملات علیه غیرنظامیان، ثبت خسارات محیط‌زیستی و فرهنگی، تولید گزارش‌های تخصصی، بسیج افکار عمومی جهانی و ایجاد فشار سیاسی و اخلاقی بر دولت‌های متخلف، در بسیاری موارد آثاری فراتر از ضمانت اجرای کلاسیک قضایی بر جای گذاشته‌اند. در این میان، جنایت فجیع مدرسه شجره طیبه میناب نیز به مستمسکی برای بازسازی تصویر بین‌المللی ایران تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که ضروری است ایران بکوشد از طریق توسل فعالانه به حقوق بین‌الملل، خود را نه به‌عنوان بازیگری مخمل نظم جهانی، بلکه به‌مثابه کشگری قانون‌مدار، مسئولیت‌پذیر و متعهد به قواعد بین‌المللی معرفی کند. از این منظر، پیگیری حقوقی جنایات ارتكابی علیه ایران، صرفاً معطوف به تعقیب کیفری یا مطالبه غرامت نیست، بلکه می‌تواند در بازتعریف ادراک بین‌المللی نسبت به جایگاه ایران و تغییر تدریجی پارادایم‌های منفی یا خنثای موجود نسبت به آن نیز مؤثر باشد.

از سوی دیگر، تحولات اخیر، ضرورت بازخوانی برخی مفاهیم بنیادین حقوق بین‌الملل دریاها را نیز آشکار ساخته است. تنگه هرمز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تنگه‌های بین‌المللی جهان و شریان حیاتی انتقال انرژی، همواره در مرکز مباحث مرتبط با آزادی کشتیرانی، عبور ترانزیتی، امنیت انرژی و صلاحیت دولت ساحلی قرار داشته است. بررسی حدود اختیارات ایران در اعمال حاکمیت بر آب‌های سرزمینی و تنگه، امکان یا عدم امکان اخذ عوارض، نسبت میان اصل آزادی عبور ترانزیتی و الزامات امنیت ملی، و همچنین وضعیت حقوقی محاصره یا محدودسازی دریایی در پرتو کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، حقوق عرفی بین‌المللی و حقوق مخاصمات مسلحانه دریایی، از جمله موضوعاتی هستند که در پرتو تحولات اخیر اهمیتی مضاعف یافته و خوانش حقوقی استحقاق حاکمیتی ایران بر تنگه هرمز را ضروری کرده‌اند.

پژوهش حاضر می‌کوشد با بررسی اسناد و رویه بین‌المللی، گزارش‌های سازمان ملل متحد و ادبیات معاصر حقوق بین‌الملل، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های تعقیب جنایات جنگی و مطالبه خسارات ناشی از آن علیه ایران را در چارچوبی فراتر از تحلیل صرفاً کیفری بررسی کند. تمرکز اصلی مقاله بر امکان‌سنجی رجوع به دیوان کیفری بین‌المللی، استفاده از صلاحیت جهانی، ظرفیت سازمان ملل متحد، تحلیل ابعاد دریایی و زیست‌محیطی مخاصمه، و نیز تبیین نقش سازوکارهای بشردوستانه، دیپلماتیک و رسانه‌ای در فرآیند پاسخگویی بین‌المللی است.

گفتار نخست: استفاده از ظرفیت سازمان‌های جهانی

علی‌رغم اعتقاد برخی سیاستمداران و حقوق‌دانان، سازمان‌های بین‌المللی دارای ماهیت صرفاً تشریفاتی و بعضاً پوششی برای جنایات بین‌المللی نیستند؛ بلکه می‌توانند دارای کارکردهایی باشند که هرچند از کارویژه و رسالت آنان دور است، اما بهره‌بری حقوقی-

سیاسی از آنها نمی‌تواند خالی از منافع بین‌المللی برای کشورها باشد. در این راستا به بررسی سازمان‌ها و ظرفیت‌های بین‌المللی پیش روی ایران در جنگ و پسا جنگ تحمیلی سوم می‌پردازیم.

۱. دیوان بین‌المللی کیفری

در سال ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸ کمیته موسوم به کمیته مقدماتی برای تأسیس یک دیوان بین‌المللی کیفری شروع به کار کرد و با تشکیل شش جلسه نهایتاً در اجلاس کنفرانس رم با حضور ۱۶۰ کشور متن اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری را تصویب نمود (کتی شیاپری، ۱۳۹۲: ۶۰). به موجب این اساسنامه برای اولین بار دیوانی دائمی برای رسیدگی به فجیع‌ترین جنایات بین‌المللی که به شرح ماده ۸ اساسنامه دیوان صالح می‌باشد، تأسیس شد.

۱-۱. امکان‌سنجی پیگیری ایران از طریق دیوان

دیوان بین‌المللی کیفری صلاحیت رسیدگی به هر جنایت بین‌المللی (توسط هر کشوری و علیه هر کشوری) را ندارد. لذا در مواجهه با جنایات جنگی علیه ایران در جنگ اخیر ناگزیر از بررسی وجود یا فقدان صلاحیت دیوان نسبت به این جنایات هستیم. در ادامه ضمن بررسی مبانی صلاحیت دیوان، به شایستگی آن نسبت به جنایات ایران و نهایتاً مزیت‌سنجی خروجی کارکردهای احتمالی دیوان می‌پردازیم.

۱-۱-۱. مبانی صلاحیت دیوان

در پایان بخشیدن به بی‌کیفرمانی مرتکبان شدیدترین جرایم بین‌المللی مورد نگرانی جامعه جهانی به مثابه یک کل، دیوان فاقد صلاحیت جهانی است (طهماسبی، ۱۳۹۵: ۱۲۳). علی‌رغم انتقادات وارده بر انتفای صلاحیت جهانی دیوان که صاحب‌نظران از آن به‌عنوان «نقطه ضعف بزرگ» رژیم دیوان یاد کرده‌اند (Cassese & Gaeta, 2002: 583-618)، ملاحظات سیاسی بین‌المللی مانع وجود صلاحیت جهانی برای دیوان شده است. براساس مواد ۱۲ و ۱۳ اساسنامه رم طرق طرح جرایم تحت صلاحیت دیوان چهارنوع است (مومنی، ۱۳۹۵: ۱۱):

(۱) صلاحیت سرزمینی: ارتکاب جرم در قلمرو حاکمیت دولت عضو (شق الف بند ۲ ماده ۱۲)

(۲) صلاحیت شخصی: ارتکاب جرم توسط اتباع دولت عضو (شق ب بند ۲ ماده ۱۲)

(۳) صلاحیت سرزمینی - موردی: ارتکاب جرم در قلمرو حاکمیت دولت غیر عضوی که صلاحیت دیوان را در قالب اعلامیه پذیرفته است (بند ۳ ماده ۱۲)

(۴) صلاحیت ارجاعی: ارجاع وضعیت^۱ توسط شورای امنیت به دیوان در صورت تشخیص اینکه آن وضعیت تهدیدی علیه صلح بین‌المللی است.^۲

^۱. Situation

۲. ماده ۳۹ منشور ملل متحد: "شورای امنیت وجود هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز را احراز نموده و توصیه‌هایی خواهد کرد یا تصمیم خواهد گرفت که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی، چه اقداماتی بر طبق مواد ۴۱ و ۴۲ باید به عمل آید."

موارد ۱ و ۲ به این علت که ایران و طرف‌های درگیر بنابر عدم تصویب داخلی اساسنامه دیوان هیچ یک عضو دیوان نیستند (شریعت باقری، ۱۳۸۶: ۲۷۱)، نمی‌توانند مستند صلاحیت دیوان در جنایات جنگی علیه ایران باشند. مورد چهارم نیز براساس تجربه‌های مشهود از دیوان که حاکی از استفاده نفع گرایانه حق وتوی قدرت‌های بزرگی چون آمریکا در ارجاع وضعیت محل صلح بین‌المللی به دیوان است، اساساً قابل تمسک توسط ایران نیست. چنانکه برخی نویسندگان اذعان کرده‌اند، حتی در مواردی که شرایط واقعی و آیینی ارجاع [توسط شورای امنیت] کاملاً فراهم بوده، استفاده یا تهدید به استفاده از حق وتو، ارجاع را از منظر سیاسی ناممکن ساخته است (Lawrence, 2012: 13).^۱ تنها امکان حاضر برای ایران در رجوع به دیوان، پذیرش موردی صلاحیت در قالب بند ۳ ماده ۱۲ اساسنامه رم و پیرو آن ارجاع قضیه جنایات جنگی علیه ایران مستند به بند الف ماده ۱۳ اساسنامه به این مرجع است (STAN, 2005: 2). این سازوکار که خودارجاعی^۲ خوانده می‌شود، به عقیده برخی ابداع دفتر دادستان دیوان (OPT) بوده و نتیجه یک تفسیر خلاقانه و مشروع از اساسنامه رم نیست و اصلاً در مذاکرات مقدماتی تدوین اساسنامه دیوان پیش‌بینی نشده یا حتی مدنظر نبوده است (Hobbs, 2020: 384). اما برخلاف این نظر، نه تنها پذیرش موردی صلاحیت دیوان بلکه خودارجاعی نیز در رویه دیوان مکرراً مورد پذیرش قرار گرفته است.^۳ لذا به نظر، امکان پذیرش موردی صلاحیت دیوان نسبت به وضعیت مخاصمه و جنایات ارتكابی در قلمرو ایران و خودارجاعی پرونده به استناد بند الف ماده ۱۳ اساسنامه وجود دارد.

۱-۲. امکان سنجی خودارجاعی وضعیت

برخی معتقدند که امکان خودارجاعی توسط دولت‌های غیرعضو وجود ندارد و صرف پذیرش موردی صلاحیت برای رسیدگی دیوان کافی است (Muller & Stegmiller, 2010: 1282). اما ماده ۱۲ (۳) مبین صلاحیت دیوان به صرف تقدیم اعلامیه کشور غیرعضو نیست. بلکه اعلامیه مقدمه‌ای است برای «اعمال صلاحیت»^۴ نه شرط موجد صلاحیت! به عبارتی تقدیم اعلامیه پذیرش صلاحیت موردی، شرط لازم صلاحیت بالقوه دیوان و مقدمه بررسی ماده ۱۷ اساسنامه است و اعلامیه نمی‌تواند حکومت ماده ۱۷ بر دیگر مواد مربوط به صلاحیت دیوان را نفی کند. لذا به نظر خودارجاعی توسط دولت‌های غیرعضو پس از احراز صلاحیت قابل دفاع می‌باشد. حال پرسش این است که صرف خودارجاعی وضعیت می‌تواند ناتوانی یا عدم تمایل ایران نسبت به رسیدگی ملی را مطابق ماده ۱۷ اساسنامه^۵ احراز کند یا دیوان ناگزیر از بررسی ناتوانی و عدم تمایل ایران در رسیدگی به جنایات است؟ اقتضای اصل

ماده ۱۳ (ب) اساسنامه رم: «شورای امنیت وضعیتی را که در آن یک یا چند جرم به نظر می‌رسد ارتکاب یافته است، به موجب فصل ۷ منشور ملل متحد به دادستان ارجاع نماید».

^۱. Despite this overwhelming factual and procedural preconditions for referral, this remains politically impossible at the Security Council as a result of veto powers.

^۲. self-referral

^۳. <https://www.icc-cpi.int/news/statement-prosecutor-international-criminal-court-mrs-fatou-bensouda-referral-bolivia>

^۴. Exercise of jurisdiction

^۵. ماده ۱۷ (۱) با توجه به بند ۱۰ مقدمه و ماده ۱، دادگاه می‌تواند تعیین نماید که در صورت وجود شرایط ذیل دعوی در دادگاه قابل طرح نیست:

الف) پرونده توسط کشوری که نسبت به آن صلاحیت قضایی دارد درحال تحقیق یا دادرسی است، مگر آنکه کشور فوق حقیقتاً مایل یا قادر به انجام تحقیقات یا دادرسی نباشد؛

ب) تحقیقات پرونده توسط کشوری که نسبت به دعوی مزبور، صلاحیت قضایی دارد، انجام شده و این کشور تصمیم گرفته شخص مورد نظر را تحت پیگرد قرار ندهد، مگر آنکه این تصمیم حقیقتاً ناشی از عدم تمایل یا عدم توانایی کشور اقامه کننده دعوی باشد.

ج) شخص تحت پیگرد قبلاً برای عملی که موضوع شکایت است، محاکمه گردیده، و محاکمه وی توسط دادگاه هم به موجب ماده ۲۰، بند ۳ مجاز نمی‌باشد.

د) موضوع از اهمیت لازم برخوردار نیست تا انجام اقدامات بیشتر را توجیه نماید.

تکمیلی بودن^۱ صلاحیت دیوان، منع اعمال صلاحیت آن در فرض انجام اقدامات قضایی در سطح ملی است (ذاکر حسین، ۱۳۹۸:۲). به موجب این اصل دیوان در رسیدگی به جنایات بین‌المللی در صورتی به رسیدگی می‌پردازد که دادگاه‌های داخلی مایل یا قادر به رسیدگی نباشند. در نهاد این اصل علاوه بر اولویت صلاحیت دولت‌ها، کارآمدی و اصالت رسیدگی آنها نیز نهفته است (زمانی و اکبرنژاد، ۱۳۷۸:۲۰۴)؛ یعنی غیراصیل بودن یا عدم تمایل در تحقیق یا تعقیب، اوصاف موجد قابلیت پذیرش «قضیه» توسط دیوان هستند. علی‌رغم اینکه سابقاً دیوان خودارجاعی را به معنای عدم تمایل دولت‌ها تلقی می‌کرد، ولی اخیراً قاعده عدم اقدام را به‌عنوان بنیان خودارجاعی پذیرفته است (ذاکر حسین، پیشین:۴). بنابراین شرط تمهیدی صلاحیت دیوان (ناتوانی یا عدم تمایل) در بررسی این وضعیت فراهم است و تبعاً خودارجاعی آن با مانعی قانونی روبرو نیست.

۲-۱. مزیت‌سنجی ارجاع وضعیت به دیوان

۱-۲-۱. معایب ارجاع وضعیت به دیوان

بند اول- تحریم قضات دیوان در قضیه افغانستان توسط آمریکا به روشنی سایه سیاست را بر سر دیوان می‌نماید (داعی‌الاسلام، ۱۴۰۱:۱۵۲). این نه به معنای سیاست‌زدگی بنیادین دیوان، بلکه تأثر آن از دیپلماسی و قدرت است. دیوان کیفری بین‌المللی بر پایه نوعی «پارادوکس اجرایی» شکل گرفته است؛ پارادوکسی که از یک سو ناشی از گستردگی و اهمیت مأموریت آن و از سوی دیگر ناشی از فقدان ذاتی قدرت اجرایی، به دلیل نبود نظام منسجم اجرای قانون در عرصه بین‌المللی است (Banteka, 2016:521). تأثر دیپلماتیک و ضعف‌های اجرایی در دیوان، به ویژه با نفوذ جهانی کشورهای درگیر با ایران، از موانع ثمره‌جایی رجوع ایران به این مرجع بین‌المللی است.

بند دوم- مطابق ماده ۲۵(۱)^۲ اساسنامه، دیوان مرجع رسیدگی به صلاحیت اشخاص حقیقی است و برخلاف ایده آل ماده ۱ اساسنامه که اصل را بر توانایی اعمال صلاحیت دیوان بر جنایات نهاده، تاریخ، دیوان را به نهادی برای تعقیب کیفری مقامات سیاسی و نظامی سرنگون شده مبدل کرده است. زیرا بزه‌کاران سازمان یافته فراملی و بین‌المللی همواره در بین انسانهای کارآزموده مدیران، نظامیان و مقامات سیاسی و اقتصادی یا گروه‌های سیاسی و با شم نظامی یافت می‌شوند. کسانی که به نحوی از انحاء با اتصال به شبکه‌های قدرت امکان دست اندازی به جان و مال انسانها به صورت توده وار و دسته جمعی را دارند (رضوی فرد، ۱۴۰۴:۲۰۲). این بدان معناست که مرتکبان جرایم بین‌المللی تا زمانی که در قدرت هستند، به دلیل ساختار نظام بین‌الملل امکان تعقیب کیفری توسط دیوان

(۲) برای تشخیص عدم تمایل در یک دعوی به خصوص، دادگاه باید با توجه به اصول تشریفات حقوقی که توسط حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده، تصمیم بگیرد آیا یک یا چند مورد از موارد زیر درباره دعوی مطروحه صدق پیدا می‌کند یا خیر:

(الف) مراحل دادرسی در حال انجام بوده یا هست، یا تصمیمی در سطح ملی به منظور محافظت شخص مورد نظر از مسئولیت کیفری در ارتباط با جنایاتی که در حیطه صلاحیت دادگاه است که در ماده ۵ از آنها نام برده شد، اتخاذ گردیده است؛

(ب) تأخیر غیرقابل توجیهی در مراحل دادرسی وجود داشته که با توجه به شرایط موجود، با هدف اجرای عدالت درباره فرد مورد نظر، همخوانی و مطابقت ندارد؛

(ج) مراحل دادرسی به طور مستقل یا بدون جانبداری انجام نشده یا نمی‌شود، و این مراحل به گونه‌ای اجرا شده یا می‌شوند که با توجه به شرایط موجود، با هدف اجرای عدالت درباره شخص مورد نظر، منافات دارد؛

(۳) به منظور تشخیص عدم توانایی در یک دعوی به خصوص، دادگاه باید در نظر بگیرد که کشور مورد بحث به علت از هم پاشی کلی یا بخش عمده دستگاه قضایی آن کشور، یا عدم موجودیت دستگاه قضایی ملی، قادر به دستگیری متهم، یا به دست آوردن مدارک و شهود لازم و یا اجرای مراحل دادرسی نمی‌باشد.

^۱. complementarity

^۲. ماده ۲۵(۱) اساسنامه رم: دیوان مطابق این اساسنامه نسبت به جرایم اشخاص حقیقی صلاحیت خواهد داشت.

را ندارند (فرجی، ۱۴۰۳:۳۹۳). ساختار دیوان به گونه‌ای طراحی شده که کشورهای قدرتمندی چون روسیه، آمریکا و چین را دربرگیرد. بی‌میلی کشورهای نظیر ایران در الحاق به این نهاد در همین چارچوب قابل درک است (همان: ۴۰۷). به علاوه مکانیزم تعلیق تعقیب یا تحقیقات دیوان توسط شورای امنیت (ماده ۱۶ اساسنامه) از ابزارهای قابل تمسک آمریکاست که نمونه آن در قالب قطعنامه ۱۴۲۲ جولای ۲۰۰۲ متجلی است (بیگی، خوشیاری، ۱۳۹۱:۱۰).

۱-۲-۲. مزایای ارجاع وضعیت به دیوان

بند اول- علاوه بر امکان صدور دستور دیوان بر جبران خسارات وارد بر مجنی علیه (اشخاص حقیقی) توسط فرد مجرم ضمن حکم کیفری^۱ اثبات جنایات جنگی در دیوان، تسهیل گر اثبات ارکان (عمل متخلفانه، انتساب و خسارت) غراماتی است که ثبت حقوقی و تاریخی می‌شوند و در مطالبه احتمالی غرامات ایران کارآیی خواهد داشت. زیرا احراز جرم مستلزم اثبات رفتار مبتنی بر تقصیر (رکن روانی) است (نیک‌خواه سرتقی، گمار، ۱۴۰۴:۲۴۹). به علاوه برخی جنایات جنگی دسته‌بندی‌های عینی از خسارات را پیشنهاد می‌کنند (همان: ۲۵۲).

بند دوم- پذیرش موردی صلاحیت دیوان، به‌ویژه در شرایطی که هیچ‌یک از طرف‌های مخاصمه عضو اساسنامه رم نیستند، می‌تواند از منظر دیپلماتیک و گفتگمانی، نشانه‌ای از تمایل ایران به پاسخگویی حقوقی و التزام به قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه تلقی شود. حتی محکومیت کیفری طرف‌های درگیر ایران در انتظار جهانی، اعتبار بین‌المللی آنان را تنزل می‌دهد و اهمیت این اعتبار برای آنان از مهندسی جنگ قابل فهم است^۲ (ferey, 2018:57-59).

بند سوم- دیوان به «پرونده» یا «جنایات» ارجاعی دولت رسیدگی نمی‌کند، بلکه به بررسی وضعیت می‌پردازد. ارزیابی دیوان [در قضیه اوکراین] آشکارا نشان می‌دهد که وی به قضیه محور بودن اعمال صلاحیت دیوان باورمند است (ذاکر حسین، ۱۳۹۸:۱۶۵) و این یعنی ارجاع‌ها صلاحیت دیوان را «نسبت به تمام جنایات مرتبط با وضعیت» فعال می‌کند؛ نه فقط نسبت به آنچه دولت ارجاع دهنده توصیف کرده است (Coco, 2020:7)^۳. اما باید توجه داشت این قاعده ناظر بر اعطای اعلامیه مطلق است. رویه دیوان به شرح یکی از آرای شعب تجدیدنظر دیوان^۴، اجازه پذیرش صلاحیت موردی در قالب «اعلامیه مقید» و امکان تحدید صلاحیت دیوان به حوادث معین در راستای پیشگیری از تعقیب سران ایرانی را می‌دهد. لذا می‌شود با اعلامیه ای مقید، از رسیدگی به اقدامات ایران در جنگ، پرهیز کرد.

۱. ماده ۷۵ اساسنامه رم: ... دیوان در رای خود می‌تواند ... حدود و میزان هر نوع آسیب، نقص و یا لطماتی که به بزه دیدگان یا در ارتباط با آنان وارد آمده را معین نماید....
۲. ارتش اسرائیل برای مقابله با «سپر انسانی [در غزه] روشی به نام «کوبیدن سقف» را توسعه داده است. هدف این بود که اولین بمب انفجاری با شدت کمتر به سمت هدفی که قرار است نابود شود ارسال شود تا ساکنان از بمباران قریب الوقوع آگاه شوند. سپس، ساکنان ۵ دقیقه فرصت ترک آپارتمان‌های خود را دارند. پس از این دوره بمباران رخ می‌دهد و وضعیت حقوقی آنها طبق تفسیر ارتش اسرائیل تغییر می‌کند. آنها به غیرنظامیانی تبدیل می‌شوند که در درگیری‌ها شرکت می‌کنند و بنابراین می‌توانند به طور قانونی هدف قرار گیرند.

۳. جهت مشاهده نمونه تصمیم دیوان در این خصوص نسبت به اوکراین رک:

[ICC Prosecutor extends preliminary examination of the situation in Ukraine following second article 12\(3\) declaration | International Criminal Court](https://www.icc-cpi.org/media/14444)

۴. The acceptance by a State which is not a Party to the Statute of the exercise of jurisdiction of the Court pursuant to article 12(3) of the Statute is not limited to a particular incident or to specific crimes or perpetrators unless the declaration so provides. (ICC, Appeals Chamber, Laurent Gbagbo Case, 12 December 2012, para. 1.)

در مجموع، هرچند ارجاع وضعیت به دیوان با موانع مهمی همچون ضعف اجرایی دیوان، تأثر آن از مناسبات قدرت، امکان مداخلات سیاسی کانون‌های قدرت، محدود بودن صلاحیت شخصی دیوان به اشخاص حقیقی و اطاله دادرسی مواجه است، اما این موانع لزوماً به معنای بی‌فایده‌گی رجوع ایران به این نهاد نیست. برعکس، ظرفیت‌های حقوقی و گفت‌وگویی دیوان، به‌ویژه در ثبت قضایی جنایات، تثبیت تاریخی مسئولیت‌ها، تسهیل اثبات ارکان مطالبه غرامت، و ایجاد فشار حیثیتی و دیپلماتیک بر دولت‌های متهم، همچنان آن را به ابزاری قابل اعتنا در راهبرد حقوقی-گفتمانی ایران بدل می‌کند؛ به‌ویژه که جنایت مدرسه میناب در مقام جنایت شاذ معاصر، هرگونه انفعال جهانی در تثبیت تاریخی این جنایت را نفی کرده و لزوم دستیابی به کارکردهای دیوان در این زمینه را دوچندان می‌کند.

۱-۲. صلاحیت جهانی

به صلاحیت مراجع ملی آنگاه جهانی گفته می‌شود که نسبت به جرایمی که در هر نقطه از جهان و توسط هر کسی (با هر تابعیتی) ارتکاب یافته باشد، توان رسیدگی داشته باشد (هنجی، ۱۳۸۸: ۵۸۹). فلسفه طراحی چنین صلاحیت وسیعی، اهمیت برخی جرایم است که غالباً جامعه جهانی را متأثر و نگران می‌سازند. صلاحیت جهانی اعم از موسع (مطلق) و مضیق (مشروط) است (۱: صلاحیت جهانی مطلق به صلاحیت دادگاه به تبع نوع جرم اشاره دارد و از دیگر شاخصه‌های صلاحیت اعم از تابعیت، حضور متهم و محل وقوع جرم صرف‌نظر می‌کند. ۲) در مقابل صلاحیت جهانی مشروط با تمرکز بر خاک دستگیری متهم، فقط دولتی را صالح می‌داند که متهم در قلمرو آن بازداشت شود (میرجعفری، زر نشان و احمدی‌فر، ۱۴۰۲: ۱۶۵۷-۱۶۵۹).

مطابق ماده ۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، صلاحیت جهانی مشروط در نظام حقوقی ایران نسبت به برخی جرایم پذیرفته شده است.^۱ یعنی اولاً جرم باید طبق عهدنامه و مقررات بین‌المللی مشمول صلاحیت جهانی باشد و ثانیاً متهم در ایران یافت شود. حال پرسش این است که جنایات جنگی علیه ایران در جنگ اخیر مشمول صلاحیت جهانی است؟ مطابق ماده ۱۴۶ کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ نقض‌های فاحش کنوانسیون مشمول صلاحیت جهانی است^۲ و طبق ماده ۱۴۷ همین کنوانسیون، شامل مواردی چون قتل عمدی، تخریب گسترده اموال بدون ضرورت نظامی و ... می‌باشد. لذا جنایات علیه ایران مشمول صلاحیت جهانی ایران و کشورهای دیگر است. صلاحیت جهانی ایران در فرض دستیابی به متهمان در ایران وجود دارد و در خصوص صلاحیت کشورهای دیگر صرف‌نظر از سیستم صلاحیت جهانی آنان، آنچه بیش از همه در استفاده از صلاحیت جهانی اهمیت دارد نه امکان حقوقی پیگیری، بلکه امکان‌ها و فواید واقع‌گرایانه آن است. چنین امری با توجه به ضعف دیپلماسی قضائی ایران، عدم دسترسی به متهمان این جنایات، عدم همکاری کشورهای دارای صلاحیت، مصونیت سیاسی متهمان و ... عملاً بعید به نظر می‌رسد. اما در صورت امکان عملی آن می‌تواند تبعاتی چون محدودیت تردد برای عاملین جنایات در عرصه بین‌الملل داشته باشد.^۳

۱. مرتکب جرایمی که به موجب قانون خاص یا عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی در هر کشوری یافت شود در همان کشور محاکمه می‌شود، اگر در ایران یافت شود طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌گردد»

۲. هر یک از دولت‌های متعاقد مکلف‌اند اشخاصی را که متهم به ارتکاب یا صدور دستور ارتکاب نقض‌های فاحش این کنوانسیون هستند جست‌وجو کنند و بدون توجه به تابعیت آنان، آنان را در دادگاه‌های خود محاکمه نمایند. همچنین می‌تواند، در صورت تمایل و مطابق قوانین داخلی خود، آنان را برای محاکمه به دولت متعاقد ذی‌نفع دیگری واگذار کند، مشروط بر آنکه آن دولت دلایل کافی علیه آنان ارائه کرده باشد.

۳. اخیراً گزارشی مبنی بر صدور کیفرخواست‌هایی در خصوص جنایات سردمداران اسرائیل و آمریکا به اتهاماتی چون قتل عمد و فساد فی‌الارض و ... مطرح شده است. به نظر می‌رسد چنین اقداماتی با عنایت به عدم امکان اعمال عملی صلاحیت جهانی ایران، حداکثر جنبه رسانه‌ای و تشریفاتی دارد و فاقد آثار حقوقی و حتی مستندسازی بین‌المللی

۳-۱. تنگه هرمز؛ ابزار حقوقی - سیاسی زمان‌مند و محدود

اعمال محدودیت‌های ایران بر تنگه هرمز، پرسش‌هایی را در خصوص مشروعیت چنین اقداماتی مطرح ساخته که به شرایط جغرافیایی، رژیم حقوقی حاکم بر تنگه هرمز و نهایتاً جایگاه این تنگه در بستر حقوقی منازعات اخیر برمی‌گردد. اعمال حاکمیت بر تنگه، به خصوص در فرضی مناقشه برانگیز می‌شود که به دوران پساجنگ یا دوران مبهم جنگ خاکستری (نه جنگ نه صلح) نیز تسری پیدا می‌کند. ما در این مقاله در نهایت به این سوال پاسخ خواهیم داد که از حیث حقوقی و روابط بین‌الملل چنین محدودیت‌آفرینی توسط ایران قابل توجیه است یا خیر.

۱-۳-۱. جایگاه جغرافیایی و رژیم حقوقی حاکم بر تنگه هرمز

حوادث دریایی در تنگه هرمز یا اطراف آن غالباً در بستر اختلاف‌نظر میان ایران و برخی دولت‌های ذی‌نفع درباره رژیم حقوق حاکم بر این آبراه تحلیل می‌شوند. با این حال، به‌طور شگفت‌آوری، ادبیات نسبتاً اندکی درباره رژیم حقوقی تنگه هرمز وجود دارد (Lott & kawakishi, 2022:2). تنگه هرمز با عرض تقریبی ۲۸ مایل دریایی، مسیر دسترسی کشورهای حاشیه خلیج فارس از جمله عراق، کویت، عربستان، بحرین و قطر به آب‌های آزاد محسوب می‌شود. عبور ترانزیتی^۱ تنگه، در منطقه‌ای اعمال می‌شود که آب‌های سرزمینی ایران و عمان با یکدیگر تداخل پیدا می‌کنند؛ جایی که عرض تنگه هرمز به ۲۴ مایل دریایی می‌رسد (Ibid:3&7). با این حال عرض موثر ناوبری واقعی آن به ۱۰ الی ۱۵ کیلومتر (حدود ۸ مایل دریایی) محدود می‌شود. در چنین شرایطی سامانه تفکیک مسیرهای دریایی (TSS)^۲ در هرمز نه کاملاً «ایران‌محور» است نه «عمان‌محور»؛ اما محدودیت‌های عمق و هندسه بستر دریا باعث شده مسیر ایمن ناوبری در عمل به سمت بخش‌های مرکزی- شمالی متمایل شود و به تعبیری کشتی‌ها «عملاً» ناگزیر از عبور از دریای سرزمینی ایران باشند. با وجود اینکه این امر غالباً در چارچوب قواعد عبور ترانزیتی و بدون لطمه به حاکمیت ساحلی تحلیل می‌شود، ولی در خصوص رژیم حاکم بر تنگه هرمز دو دیدگاه اصلی وجود دارد:

برخی از حقوق‌دانان، نهادها و دولت‌ها بر این باورند که با توجه به نوع تردد در تنگه هرمز - که در عملکرد دولت‌ها و نیز عدم واکنش مخالف از سوی دولت‌های ساحلی یعنی ایران و عمان، به‌صورت «ترانزیت» درآمده و حتی جنبه عرفی یافته است - به‌ویژه با عنایت به اینکه نزدیک به ۳۲ سال از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون ۱۹۸۲ می‌گذرد (از ۱۶ نوامبر ۱۹۹۴)، این روند هم ویژگی معاهداتی و هم ویژگی عرفی دارد. از این رو، برای دولت‌هایی مانند ایران و آمریکا که عضو کنوانسیون ۱۹۸۲ نیستند نیز لازم‌الاتباع تلقی می‌شود (بیگزاده، ۲۰۱۴:۵). در مقابل عده‌ای از حقوق‌دانان و همچنین در حال حاضر دولت ایران معتقد است که رژیم عبور از

است. همچنین است دادخواست خانواده شهدا و مردم که اخیراً به واشنگتن ابلاغ گردیده است. به علاوه در راستای رفع خلأ قانونی ناظر بر جنایات جنگی، لایحه‌ای تک‌فوریتی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. این اقدام نیز لازم ولی ناکافی است. زیرا بدون عضویت در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری (ICC) که مستلزم تصویب اساسنامه رم در مجلس است، امکان مجازات و حتی مطالبه غرامات از مرتکبان جنایات جنگی وجود نخواهد داشت. بنابراین لازمه پیگیری جنایات جنگی، استفاده از تمام ظرفیت‌های نظام حقوق بین‌الملل و مشخصاً دیوان بین‌المللی کیفری است و اقدامات مذکور صرفاً جنبه تشریفاتی و تبلیغاتی دارند.

۲. عبور ترانزیت به منزله آزادی کشتیرانی و هوانوردی کلیه کشتی‌ها و هواگردهای خارجی در تنگه‌های بین‌المللی، آن هم بدون هیچ گونه مانعی است (جز موارد اضطراری و قوه قهریه) این رژیم مختص تنگه‌های متصل کننده بخشی از دریای آزاد یا منطقه انحصاری اقتصادی به بخش دیگری از دریای آزاد یا منطقه انحصاری اقتصادی دیگر است.

۳. طرح تفکیک مسیر عبور دریایی (Traffic separation scheme): به بیان ساده، این طرح لاین‌های رفت و برگشت بزرگراه در دریاست.

تنگه هرمز «عبور بی‌ضرر»^۱ است. اینان معتقدند که ایران در اعلامیه تفسیری خود در هنگام امضای کنوانسیون ۱۹۸۲ به صراحت اعلام کرده است که عبور ترانزیتی از نظر ایران صرفاً جنبه معاهداتی دارد و فاقد ویژگی عرفی است. به نظر آنان این اعلامیه، اعتراض به ماهیت ترانزیت بوده و به صورت مستمر هم ادامه یافته است. پس عبور از تنگه هرمز مبتنی بر رژیم بی‌ضرر است نه ترانزیت.

۱-۳-۲. نظام اخذ عوارض در تنگه هرمز

مقارن چالش‌های رژیم حقوقی عبور در تنگه، نظام اخذ عوارض نیز دچار اختلاف‌نظرهایی است. ایران اعلامیه‌ای تفسیری (بر اساس ماده ۳۱۰) صادر کرد که در آن تصریح شده است برخی مقررات اساسی کنوانسیون - از جمله رژیم عبور ترانزیتی در بخش سوم (مواد ۳۷ تا ۴۴) - ماهیتی معاهده‌ای دارند و بازتاب‌دهنده حقوق بین‌الملل عرفی نیستند. از این‌رو، ایران خود را ملزم به رعایت قواعد عبور ترانزیتی نمی‌داند. در عوض، با استناد به حاکمیت خود در دریای سرزمینی، اختیار تنظیم عبور، الزام به هماهنگی قبلی، و اخذ عوارض برای «عبور ایمن» یا «خدمات امنیتی» را در چارچوب قوانین داخلی^۲ خود مورد تأکید قرار می‌دهد. در مقابل این موضع حقوقی ایران، ایالات متحده و دولت‌های خلیج فارس (عربستان سعودی، امارات متحده عربی، عمان، کویت، بحرین و قطر) استدلال می‌کنند که تنگه هرمز یک تنگه طبیعی بین‌المللی است و اقدامات ایران نقض حقوق بین‌الملل دریاها محسوب می‌شود؛ به این معنا که بستن تنگه یا هدف قرار دادن کشتی‌ها غیرقانونی و وضع عوارض نیز با اصل آزادی عبور ناسازگار است (پورهاشمی، ۱۴۰۵). بنابراین حتی با فرض سرزمینی بودن آب‌های تنگه هرمز و اعمال رژیم عبور بی‌ضرر بر تنگه، کنوانسیون دریای سرزمینی و منطقه مجاور (UNCLOS) و حقوق بین‌الملل عرفی موجود هنوز اخذ عوارض اجباری صرفاً برای امنیت «عمومی» در دریای سرزمینی را به رسمیت نشناخته است؛ بلکه امنیت‌بخشی در قالب‌هایی مثل اسکورت از موجبات عوارض است.^۳

۱-۳-۳. امکان‌سنجی محدودسازی تنگه هرمز توسط ایران در عالم نظر و عمل

جمهوری اسلامی ایران عضو کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها نیست. با این حال همان‌طور که گذشت در خصوص عرفی بودن کامل برخی نهادهای نوظهور کنوانسیون، به ویژه نسبت به دولت‌های غیرعضو معترض، همچنان اختلاف‌نظرهایی قابل توجه در ادبیات حقوقی مشاهده می‌شود. بر همین اساس و حتی بر فرض پذیرش رژیم ترانزیتی، این امکان در ادبیات حقوقی قابل طرح است که برخی اقدامات محدود، موقت و هدفمند دریایی از سوی ایران - در فرض احراز حمله مسلحانه یا استمرار اقدامات قهری شدید - لزوماً به عنوان نقض مستقل حقوق بین‌الملل تلقی نشوند، بلکه در پرتو نهادهایی چون دفاع مشروع^۴، ضرورت یا برخی اشکال

^۱ رژیم عبور بی‌ضرر در تنگه‌هایی اعمال می‌شود که بخشی از آبهای آزاد را به بخشی دیگر از آبهای آزاد یا دریای سرزمینی کشور خارجی متصل می‌کند. این رژیم بر خلاف رژیم ترانزیتی در مواردی اختیار نظارت و محدود سازی را به کشور ساحلی می‌دهد.

^۲ قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۱۳۷۲ (ماده ۵ و ۶ و ۷) و ماده ۱۴ کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو؛ به نوعی مطابق لایحه در حال بررسی مجلس شورای اسلامی ایران، استدلال می‌شود که اولاً با حاکمیت رژیم عبور بی‌ضرر بر تنگه و ثانیاً هزینه‌زا بودن تأمین امنیت و حفظ محیط زیست، امکان اخذ عوارض لااقل در شرایط خاص وجود دارد. به عبارتی حفظ ایمنی و سلامت محیط تنگه، نوعی خدمات امنیتی، همانگی و پایش زیست محیطی تلقی شده است.

^۳ ماده ۲(۱۵) کنوانسیون دریای سرزمینی و منطقه مجاور (۱۹۵۸): [از کشتی خارجی عبورکننده از دریای سرزمینی] فقط در قبال خدمات مشخصی که به آن کشتی ارائه شده می‌توان وجه دریافت کرد. این وجوه باید بدون تبعیض اخذ شود.

^۴ Self-defence

نوین اقدامات بازدارنده امنیتی مورد ارزیابی قرار گیرند؛ خصوصاً هنگامی که هدف اصلی چنین اقداماتی، افزایش هزینه‌های استمرار مخاصمه، جلوگیری از تشدید حملات، و وادارسازی جامعه بین‌المللی به مداخله مؤثر برای توقف تجاوز ادعایی باشد. در چنین بستری تنگه هرمز صرفاً یک گذرگاه دریایی عادی تلقی نمی‌شود، بلکه بخشی از زیرساخت بازدارندگی و بقای راهبردی ایران به شمار می‌آید (عباسی، نجات و طالبی، ۱۳۹۵: ۷۴). از این منظر، می‌توان استدلال کرد که برخی اقدامات محدود، موقت و هدفمند ایران در تنگه، لزوماً واجد ماهیت تهاجمی نبوده و تحت برخی تفاسیر، ممکن است در پیوند با ضرورت دفاعی و الزامات حفظ موجودیت دولت تحلیل شوند؛ هرچند حدود و شرایط اعمال این نهادها همچنان محل اختلاف جدی در دکترین حقوق بین‌الملل باقی مانده است. از این رو در این چارچوب، برخی تحلیل‌ها میان «انسداد مطلق و فراگیر تنگه» و «محدودسازی هدفمند و امنیتی عبور دریایی» تفکیک قائل می‌شوند؛ به این معنا که محدودیت‌های احتمالی ممکن است صرفاً ناظر بر دولت‌های مشارکت‌کننده در مخاصمه یا دولت‌های درگیر در عملیات نظامی علیه ایران باشد، درحالی‌که عبور کشتی‌های متعلق به دولت‌های ثالث غیرمخاصم، تحت شرایط خاص امنیتی، همچنان امکان‌پذیر باقی بماند. این تمایز، دست‌کم از منظر ارزیابی معیارهای ضرورت و تناسب، می‌تواند واجد اهمیت حقوقی قابل توجهی باشد، هرچند پذیرش آن در رویه بین‌المللی همچنان با ابهام روبه‌رو است.

با وجود این، مسیر حقوقی توجیه محدودسازی تنگه هرمز با موانع مهمی مواجه است. همان‌گونه که برخی نویسندگان اشاره کرده‌اند، نخستین مانع، اثبات آن است که مجموع اقدامات نظامی، اقتصادی و امنیتی اعمال‌شده علیه ایران، به سطح «حمله مسلحانه» مستمر در معنای حقوق بین‌الملل رسیده باشد؛ و مانع دوم، عبور از آزمون‌های سخت‌گیرانه ضرورت (آخرین راه چاره) و تناسب در چارچوب نظریه دفاع مشروع است (اسمعیلی و حیدری، ۱۴۰۴: ۲۰۹). افزون بر این، توسل به مفهوم «اقدام متقابل»^۱ نیز با محدودیت‌های قابل توجهی روبه‌رو است؛ زیرا مطابق حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، اقدامات متقابل اصولاً نباید متضمن استفاده از زور و متضمن نقض تعهد علیه ثالث باشند (ضیائی، ۱۳۹۹: ۴۸۳). از این رو، تلقی محدودسازی عبور دریایی در تنگه هرمز به‌عنوان اقدام متقابل، دست‌کم در فرض ایجاد اخلال گسترده در امنیت دریانوردی بین‌المللی، محل تردیدهای جدی حقوقی خواهد بود.

در نتیجه در عالم نظر میزان توانایی ایران در اثبات «ضرورت» اعمال محدودیت در تنگه هرمز به استناد جمیع مخاصمات اقتصادی (تحریم)، نظامی و سیاسی آمریکا و کشورهای منطقه علیه ایران، نقش کلیدی در رفع تلقی نقض تعهد بین‌المللی آزادی عبور ترانزیتی توسط ایران خواهد داشت. از طرفی از حیث اقدام متقابل، اعمال محدودیت بر تنگه بر فرض نقض تعهدی بین‌المللی (منع عبور ترانزیتی) که اثر اقتصادی گسترده بر غیرنظامیان کشورها دارد، می‌تواند اقدام متقابل «متناسب» با تحریم‌های آمریکا علیه ایران باشد که از قضا علیه جمعیت غیرنظامی ایران تحمیل شده است.

از حیث عملی، علی‌رغم حق اعمال محدودیت توسط ایران «در شرایط جنگی» و در قالب اقدام متقابل یا دفاع مشروع، استمرار اعمال محدودیت در تنگه هرمز در شرایط جنگ خاکستری^۲ می‌تواند از این حیث خطرناک باشد که تاریخ انسداد تنگه‌های بین‌المللی [به انضمام آرای ممتنع روسیه و چین به قطعنامه اخیر ۲۸۱۷ شورای امنیت] نشانگر سرعت بالای شکل‌گیری اجماع جهانی علیه کشور مسدود کننده است (Hybrid COE, 2023, 31-35). از این حیث با وجود پتانسیل‌های موسع قواعد بین‌المللی چون دفاع مشروع در مشروعیت بخشی به اقدام ایران، به نظر می‌رسد «عملاً» نظام حقوق بین‌الملل فاقد ظرفیت احقاق حقوق ایران از طریق تنگه هرمز

1. Countermeasure

2. جنگ خاکستری (Gray zone warfare) به فرایند و وضعیت مابین آستانه جنگ آشکار و صلح آشکار اطلاق می‌شود.

در طولانی مدت (وضع غیرجنگی) است و راهبرد رجوع فوری ایران به ابزارهای دیپلماتیک و معاهداتی نوین ضرورتی فوری تلقی می‌گردد.^۱

گفتار دوم: استفاده از ظرفیت سازمان ملل و سازمان‌های وابسته

سازمان ملل متحد گرچه فاقد ابزارهای مستقیم ایجاد صلح و عدالت جهانی است، اما دارای قابلیت‌های غیرمستقیم و هزینه‌ساز برای کشورهای منازع می‌باشد که به برخی از ارکان و سازمان‌های برجسته آن اشاره می‌شود.

۱. کمیته حقیقت‌یاب و کمیسیون تحقیق سازمان ملل متحد

کمیته حقیقت‌یاب و کمیسیون تحقیق سازمان ملل متحد هیأت‌هایی مرکب از متخصصان امور پلیسی، حقوقی، قضایی، مشاوره و مددکار اجتماعی هستند که از سوی مراجع بین‌المللی به منظور جمع‌آوری و کشف حقایق جنایات [بین‌المللی، نقض حقوق بشر، و قوانین بشردوستانه بین‌المللی] «موقتا» تشکیل و اعزام می‌شوند (دلاوری، ۱۳۸۸: ۱۵۳). گزارش‌های این دو مرجع دارای کارکرد رسانه‌ای و قضایی قابل توجهی است؛ تا حدی که BBC فارسی در اغتشاشات ۱۴۰۱ ایران از گزارش این کمیته بهره برده بود.^۲ حتی در دو دهه گذشته شاهد نهادینه شدن موارد تعقیب کیفری افراد به‌عنوان پاسخی به گزارش‌های کمیته حقیقت‌یاب بوده‌ایم (شمعی، شهنقی، ضیایی، ۱۴۰۳: ۵). حتی اعتبار اثباتی گزارش‌های آنان به علت سازوکار تحقیقاتی^۳ و انتسابی^۴ آن، از گزارش گزارشگران سازمان ملل بیشتر است.

بهره‌بری از ظرفیت‌های کمیته حقیقت‌یاب و کمیسیون تحقیق سازمان از مسیر درخواست به شورای حقوق بشر، دبیر کل سازمان ملل و حتی مجمع عمومی سازمان ممکن و راهبردی است. برای ایران مسیر شورای حقوق بشر تداول تاریخی و احتمال پذیرش بالاتری نسبت به مسیرهای دیگر دارد.^۵ هرچند تشخیص تشکیل آنها لزوماً تابع درخواست ایران نیست و ملاک، تشخیص هر یک از ارکان مذکور می‌باشد. اما جنایات اخیر علیه ایران به ویژه علیه مدرسه شجره طیبه میناب ظرفیت بالایی در پذیرش آغاز تحقیقات کمیته را دارا هستند؛ به ویژه که مستندسازی جنایات و اقدامات زیانبار علیه ایران از طریق کمیته، علاوه بر اهمیت رسانه‌ای^۶ آن دو مزیت دیگر دارد: اول اینکه دستاوردی حقوقی-سیاسی در ازای حق عضویت ایران به سازمان ملل، حاصل شده و مانع هدر رفت این هزینه می‌شود؛ دوم استحکام ادله استنادی ایران مطابق استانداردهای بین‌المللی، در فرض رجوع موردی به دیوان کیفری بین‌المللی و مراجع دیگر نسبتاً تضمین خواهد شد. هرچند مجموعاً دیوان بین‌المللی دادگستری رویکردی احتیاط آمیز به این دست گزارشات دارد (Beker, 2025:621).

۲-۲. مجمع عمومی سازمان ملل متحد

^۱. برای مطالعه بیشتر رک: مقاله نظام حقوقی حاکم بر تنگه هرمز، ابراهیم بیگزاده؛ ۱۴۰۵ مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

^۲. رک: <https://www.google.com/url?q=https://www.bbc.com/persian/articles/c4g90wqg9eyo>

^۳. Investigative

^۴. Attribution

^۵. چنانکه قضایای سوریه، غزه، سودان، اوکراین، میانمار، اتیوپی و حتی ایران (سال ۱۴۰۱) از این طریق به کمیته ارجاع شده اند.

^۶. پوشش رسانه‌ای گسترده کار کمیته‌ها مثلاً در خصوص غزه یا سوریه نمایه عمومی چنین تحقیقاتی را افزایش داده و نقش مهمی که آنان در اجرای هنجارهای بین‌المللی حقوق بشر و بشر دوستانه و پاسخگویی مجرمان داشته‌اند را برجسته کرده است (پیشین، ۱۴۰۳: ۷).

چین بعد از مائو با بازیگری بی‌بدیل بین‌المللی خود اثبات کرد که مشروعیت بین‌المللی نه محصول اطاعت کامل از نظم جهانی است و نه صرفاً نتیجه قدرت سخت؛ بلکه حاصل ایجاد توازن میان حفظ هویت و منافع ملی از یک سو و مشارکت هوشمندانه در ساختار بین‌المللی از سوی دیگر است. سازمان‌های بین‌المللی و در رأس آن سازمان ملل متحد، مهم‌ترین راهبردهای ایران در مشروعیت‌زایی و دیپلماسی چندجانبه هستند. چنانکه برخی نویسندگان علی‌رغم نقد کارکرد قانون محورانه سازمان ملل معترف‌اند: «نقش سازمان ملل به‌عنوان امین و متولی مشروعیت جمعی، این نهاد را قادر می‌سازد تا از طریق صدور قطعنامه‌ها، استانداردهای الزام‌آور و معتبر رفتاری را برای دولت‌ها تبیین نماید.» (Thakur, 2009:4). مهم‌ترین رکن سازمان ملل، مجمع عمومی آن است که به علت تصمیم‌گیری مبتنی بر رای اکثریت نسبی کشورهای عضو، بزرگترین مظهر برابری بین‌المللی حاکمیت‌ها است. اگرچه دولت‌ها تا آنجا پیش نرفته‌اند که حاکمیت ملی خود را تسلیم سازمان‌های بین‌المللی کنند، اما بسیاری از آنها خود را ناگزیر از انجام وظایفی می‌بینند که از سوی این سازمان‌ها اعلام می‌شود (پوراحمدی، معتمدی امین، ۱۳۹۴:۱۳). بنابراین تصویر بین‌المللی خنثی و حتی منفی ایران در اذهان ملل، اقتضا می‌کند قابلیت‌های مجمع عمومی را در خدمت روایت‌سازی و مشروعیت‌زایی خود در عرصه جهانی قرار دهد. این دستاورد بلندمدت می‌تواند در قالب جلسات سالانه و اضطراری مجمع عمومی حاصل شود و سیاست‌زدگی و شکست‌های محدود سازمان ملل را به موفقیت نرم بین‌المللی برای ایران مبدل سازد؛ یعنی تغییر نقش ایران از کنشگر واکنشی به کنشگری مبتکر در عرصه بین‌الملل؛ به ویژه که شفافیت و حجم بالای جنایات منتسب به طرف‌های ایران، بستری وسیع برای رجوع به مراجع بین‌المللی فراهم کرده است.^۱

۲-۳. صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف)

یونیسف^۲ در مقام یکی از سیاست‌گرایزترین نهادهای سازمان ملل، کمک‌های شایانی به کشورهای مختلف در حوزه کارویژه خود داشته و نمونه بارز آن در غزه مشهود است.^۳ پردازش کارویژه‌های متعدد یونیسف در جنگ تحمیلی سوم ضرورت چندانی ندارد. بلکه بستر جنگ تحمیلی سوم به ویژه جنایت علیه مدرسه شجره طیبه میناب^۴ مناسب بهره‌برداری از توانمندی‌های یونیسف در حوزه حقوق نرم^۵ است نه حمایت صرف از حقوق کودکان. در این میان توانمندی‌های رسانه‌ای-هنجاری یونیسف و فعال‌سازی افکار عمومی جهان در صدر اولویت‌های رجوع ایران به این مرجع می‌تواند باشد. یکی از راه‌های موثر برای ترویج پاسخگویی در قبال نقض‌هایی که علیه کودکان در درگیری‌های مسلحانه انجام می‌شود، «فهرست شرم»^۶ دبیرکل سازمان است. دبیرکل در ضامان گزارش سالیانه «کودکان و درگیری‌های مسلحانه»، عاملان «نقض‌های جدی»^۷ علیه کودکان در جنگ را فهرست می‌کند (زمانی، بلاغی،

^۱. گذار از روابط جزیره‌ای و یکجانبه، مستلزم بهره‌گیری فعال از ظرفیت سفارتخانه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی برای بازسازی و تقویت مشروعیت بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران است. سفارتخانه‌ها می‌توانند از رهگذر «سیاست حافظه»، مستندسازی و بازنمایی حقوقی وقایع، به‌ویژه جنایت میناب، در تثبیت روایت تاریخی و حقوقی ایران و افزایش هزینه مشروعیتی ناقضان نقش‌آفرین باشند. همچنین، سمن‌های بین‌المللی با اتکا به ظرفیت‌های فراملی در مستندسازی، بایگانی ادله، حافظه‌سازی جمعی، استانداردسازی هنجارهای حقوق بشری و اقناع نهادهای بین‌المللی، می‌توانند از فراموشی جنایات جلوگیری و زمینه مسئولیت‌سنجی و مطالبه جبران خسارت را تقویت کنند. از این‌رو، فعال‌سازی هدفمند و نظام‌مند این شبکه‌های فراملی باید به‌عنوان بخشی از راهبرد اقدامات حین و پس‌اجنگ ایران مورد توجه قرار گیرد.

^۲. UNICEF به عنوان رکنی از سازمان ملل متحد، بزرگترین نهاد بین‌المللی کودکان است که با بودجه مبتنی بر کمک‌های مردمی و دولتی، سیاست برابری حداکثری بهداشت، تغذیه، آموزش، مراقبت از کودکان و دسترسی به فرصت‌ها نسبت به کودکان را در پیش گرفته است.

^۳. برای مشاهده گزارش یونیسف کلیک کنید.

^۴. در خصوص انتساب این رفتار به آمریکا، گزارش‌ها حاکی از اصابت موشک تاماهاوک که تماماً آمریکایی است، می‌باشند. برای مشاهده کلیک کنید.

^۵. Soft law

^۶. List of shame

^۷. violations

اصلاهی، ۱۴۰۳: ۱۵۰). در این راستا اقداماتی از جمله نامه معاون امور بین‌الملل قوه قضائیه و دبیر ستاد حقوق بشر جهت محکومیت جنایات علیه کودکان ایرانی به یونسف از جانب ایران در دستور کار قرار گرفته است. اینها لازم و ناکافی است و آنچه ضرورت‌های حقوق بین‌الملل اقتضا می‌کند، پیگیری‌های حقوقی و کیفری مستمر این جنایت در مراجع متعدد بین‌المللی از جمله یونسف است.

۲-۴. سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)

یونسکو^۱ به‌عنوان رکن آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد، پیرو ضرورت ایجاد صلح از طریق همکاری بین‌المللی در حوزه‌های آموزشی، علمی و فرهنگی تأسیس شده است و کارویژه فرهنگی آن حمایت از آثار تاریخی و فرهنگی ملل، مخصوصاً آثاری است که ثبت جهانی شده‌اند. از این رهگذر پیگیری صدمات متعدد به آثار باستانی ایران در یونسکو، می‌تواند مزایایی چند در پی داشته باشد. زیرا ایران در صورت رجوع به مراجع حقوقی و کیفری بین‌المللی از جمله ICC و ICJ نیازمند ادله و گزارشاتی معتبر است و یونسکو ظرفیت تأمین آن را در آثار باستانی دارد. به ویژه که رویه دیوان کیفری بین‌المللی با توجه به پرونده المهدی، حاکی از حمایت وافر دیوان از آثار ثبت شده جهانی به علت تلقی آن به مثابه میراث بشریت است (غنی و فروغی، ۱۴۰۱: ۲۷۹).

در جنگ تحمیلی سوم آثار تاریخی و باستانی متعددی که بعضاً مانند کاخ گلستان ثبت جهانی شده بودند، تخریب شدند^۲. عمده مقررات مهم و رویه‌ساز در مورد صیانت از میراث فرهنگی در زمان مخاصمات را می‌توان در کنوانسیون‌های لاهه مشاهده کرد. ماده ۲۷ کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه بر لزوم صیانت از اموال فرهنگی و تاریخی به شرط استفاده نکردن با هدف نظامی از آنها اشاره کرده و مواد ۴۶، ۴۷ و ۵۶ هرگونه توقیف، نابودی و ایراد خسارت عمدی به بناهای تاریخی را ممنوع اعلام کرده است (سیدزاده، فرهادی، ۱۳۹۸: ۱۱۴). به علاوه به عقیده برخی نویسندگان تحلیل پرونده مشهور به المهدی نشان می‌دهد که چارچوب فعلی حقوق بین‌الملل کیفری فاقد جرم‌انگاری «جنایت علیه میراث فرهنگی ذیل جنایت علیه بشریت بوده (شهبازی و اشرفی، ۱۴۰۴: ۳۳۲)؛ اما اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نقض این قاعده را در جریان مخاصمات، جنایت جنگی و در صلاحیت دیوان دانسته است (ماده ۸ (۲) بخش ب). لذا در خصوص ماهیت مجرمانه و مسئولیت‌آفرینی صدمه به این آثار تردیدی وجود ندارد. اما آنچه مستلزم بررسی است، قابلیت انتساب صدمات به طرف‌های درگیر با ایران است. چراکه برخلاف مدرسه میناب، آثار باستانی عمدتاً مورد حملات مستقیم قرار نگرفته، بلکه موج انفجار ناشی از حمله به اهداف نظامی، موجب صدمات فرهنگی و تاریخی بوده است. بنابراین صرف‌نظر از انتساب رکن مادی رفتار که مستلزم بررسی‌های میدانی و نظامی است، بررسی رکن معنوی آن نیز ضروری می‌باشد.

رکن معنوی اعم از قصد رفتار و قصد نتیجه است. این تقسیم‌بندی در ماده ۳۰ اساسنامه دیوان نیز پذیرفته شده است^۳. قصد «رفتار» (حمله/ شلیک) در صدمات وارد بر آثار مذکور طبعاً مفروض و قابل انتساب به یکی از طرف‌های ایران است؛ اما سوال

^۱. UNESCO

^۲. کاخ‌های گلستان، چهلستون، عالی‌قاپو، میدان نقش جهان، مسجد جامع اصفهان، قلعه فلک‌الافلاک و... (<https://amp.dw.com>)

^۳. ماده ۳۰: ۱. جز در مواردی که به‌گونه‌ای دیگر مقرر شده باشد، شخصی تنها در صورتی از نظر کیفری مسئول و قابل مجازات است که عناصر تشکیل‌دهنده جرم با «قصد» و «آگاهی» انجام شده باشند.

^۴. برای مقاصد این ماده، شخصی دارای «قصد» است که:

الف) در رابطه با رفتار، قصد انجام آن رفتار را داشته باشد؛

ب) در رابطه با نتیجه، قصد ایجاد آن نتیجه را داشته باشد یا آگاه باشد که آن نتیجه در جریان عادی رویدادها رخ خواهد داد.

برای قصد‌های این ماده، «آگاهی» به معنای آگاهی از وجود یک شرایط یا رخ دادن یک پیامد در جریان عادی رویدادها است. عبارت‌های «با آگاهی» و «آگاهانه» باید بر همین اساس تفسیر شوند.

اینجاست که آیا می‌توان حمله مستقیم به اهداف نظامی را به منزله حمله غیرمستقیم به آثار تاریخی و فرهنگی دانست و از این دریچه قصد «نتیجه» مهاجم را محرز دانست؟ یا قصد مستقیم تخریب این آثار از ضروریات رکن روانی است؟ بخش ب بند ۲ ماده ۳۰ بیان می‌کند: [شخصی دارای قصد است که] در رابطه با نتیجه، قصد ایجاد آن نتیجه را داشته باشد یا آگاه باشد که آن پیامد در جریان عادی رویدادها رخ خواهد داد. از لحاظ حقوقی قوای نظامی مهاجمان، باید ابتدا به تحلیل ابعاد حملات خود نسبت به موارد ممنوعه پردازند و بعد به اقدام تهاجمی بپردازند؛ به ویژه نسبت به حملاتی که گستره آن ممکن است دامنگیر آثار باستانی و فرهنگی «ثبت شده» باشد. بنابراین همانطور که برخی نویسندگان بیان کرده‌اند: «مرتکب در صورتی دارای رکن معنوی مربوط به نتیجه است که نتیجه را خواسته باشد یا نسبت به اینکه نتیجه در پی دخدادهای معمول^۱ واقع می‌شود آگاهی داشته باشد» (قیاسی و محترم، ۱۳۹۶: ۱۹۰). باید تبعات تخریبی پرتابه‌هایی که نزدیک به آثار باستانی و فرهنگی بوده‌اند را قبل از اقدام سنجید؛ و گرنه مسئولیت کیفری و حقوقی خساراتی که نوعاً^۲ از آن رفتار ناشی می‌شود را متحمل خواهند شد. تا حدی که برخی نویسندگان جنایاتی نظیر مدرسه شجره طیبه میناب، با هدف قرار دادن مراکز علمی، آموزشی، تاریخی، امدادی و مکانهای مقدس را نشانگر یک الگوی رفتاری مجرمانه دانسته‌اند (محقق داماد و درویش زاده، ۱۴۰۵: ۲۷). نتیجتاً حملاتی که به اهداف نظامی مجاور یا نزدیک آثار فرهنگی و باستانی ایران صورت گرفته است، بر فرض اثبات انتساب مادی رفتار، از حیث رکن معنوی، شرایط ایجاد مسئولیت‌های کیفری و حقوقی دولت و مسئولین مربوطه را دارا می‌باشند.

۲-۵. کمیسیون غرامات سازمان ملل متحد

محیط زیست قربانی خاموش جنگ‌ها است. هدف اصلی حقوق بین‌الملل بشردوستانه تضمین حفاظت از غیرنظامیان و کاهش رنج و آسیب به آنان در زمان جنگ است (موسوی و عسگری، ۱۴۰۴: ۳۸). حق انسان بر زیست سالم در هماهنگی با محیط طبیعی به عنوان یک اصل بنیادین، در حقوق بشر نسل سوم (حقوق همبستگی) مورد اشاره قرار می‌گیرد. اصل نخست اعلامیه ریو ۱۹۹۲ نیز موبد همین نکته است. دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی خود در سال ۱۹۹۶ در راستای صیانت از محیط زیست از مرزهای ملی پا را فراتر گذاشته و مترصد ایجاد یک قاعده فرامرزی در اعتلای این حق بر آمده است (Ic.j.rep, 1996: para 29). در سال ۲۰۲۲ نیز مجمع عمومی سازمان ملل با تصویب قطعنامه‌ای حق بشری بر محیط زیست سالم و پاک را به رسمیت شناخت.^۳

به نظر این ترجمه، تعبیر صحیحی از ترکیب Ordinary course of events نیست بلکه تعبیر صحیح، جریان عادی رخدادها است که مفهوم آن تبعات متعارف وقایع بر اساس جریان نوعی امور می‌باشد. به عبارتی ماده با استفاده از این ترکیب می‌خواهد بیان کند، تبعات متعارف و نوعی رفتار مرتکب نیز مشمول قصد مجرمانه او است و ضرورتی ندارد که جرم را محدود به نتایجی کنیم که مرتکب آن را مستقیماً قصد کرده است بلکه او مسئول نتایج ناشی از سهل انگاری‌ها یا عدم رعایت اصل احتیاط (Precaution) نیز می‌باشد.

^۱. Ordinarily

^۲. Un general assembly resolution 76/300, the human right to a clean healthy and sustainable environmnt 28 july 2022

جنگ اخیر نه تنها یک جنایت جنگی بلکه فاجعه زیست محیطی است و آثار مستقیم آن نظیر افزایش آلاینده‌ها و ذرات معلق^۱، بنزین، تولوئن^۲، زایلن^۳ از طریق انفجار و آتش‌سوزی پالایشگاه‌ها و انبارهای نفت وارد جو می‌شود و مخلوطی از گازهای سمی و خطرناک ایجاد می‌کند. همچنین تخریب پالایشگاه نفتی لاوان و امتزاج آن در دریا و تخریب اکوسیستم دریایی همگی آسیب زیست محیطی جنگ اخیر است. حمله به زیرساخت حساس آب شیرین‌کن در قشم با وجود تنش‌های کم‌آبی عصر حاضر نیز موید همین نکته است که آسیب‌پذیری زیست محیطی از پیش موجود را به عوامل بی‌ثباتی و سلامت اجتماعی تبدیل کند^۴. آلودگی صوتی شق دیگری از آلودگی تجاوز اخیر بود که اصوات ناشی از جنگنده‌ها و صدای انفجار بالاتر از استاندارد طبیعی است و برای افراد علی‌الخصوص اقشار آسیب‌پذیر مانند سالمندان و نوزادان و زنان باردار و افراد مبتلا به اوتیسم و دارای اختلالات هیجانی بسیار خطرناک است. با توجه به خلا موجود در ماده ۸ اساسنامه رم که در یک فرایند اثباتی توسط دولت متجاوز در تبیین مزیت نظامی هدف، باعث بی‌کیفرمانی تخریب محیط زیست در مخاصمات مسلحانه می‌شود، لذا این مکانیسم کاربردی نخواهد بود (Atilgan, 2025: 59). از طرف دیگر در اساسنامه، علی‌رغم توجه دکرترین سیاست جنایی بین‌الملل، به اکوساید به عنوان یک جرم مستقل پرداخته نشده؛ لذا شایسته است مستقلاً جامعه بین‌المللی اقدام به جرم‌انگاری آن بنماید (مهرآ و قلی‌پور، ۱۳۹۹: ۵۰).

در خصوص مسیرهای غرامات زیست محیطی، کمیسیون غرامات سازمان ملل به عنوان یک نقطه عطف حقوقی برای جبران خسارت به کشورهای قربانی فجایع محیط زیست است. همان گونه که عراق در تخریب پالایشگاه‌های کویت و آسیب به خط ساحلی آن و منابع آب زیرزمینی اردن و مراتع ایران محکوم به جبرای خسارت شده بود.^۵ کمیسیون غرامت که از یک نهاد حقوقی معمولی تبدیل به یک نهاد حقوقی فعال در زمینه تقویم و تعیین غرامات زیست محیطی با ابداع روش نوین شده است، در آینده نیز مورد توجه قرار خواهد داشت و از همان سازوکار ۱۹۹۱ بهره خواهد برد. البته باید توجه داشت که سازوکار کمیسیون به صورت موقت است (Rudall, 2020: 40-45). حال ایران نیز می‌تواند با تقویت دیپلماسی اقلیمی خود و مستندسازی دقیق فجایع زیست محیطی اخیر از طریق نهادهای داخلی نظیر سازمان حفاظت محیط زیست و سایر نهادهای ذیربط و همچنین بازوهای بین‌المللی (مثل برنامه محیط زیست سازمان ملل)، از سوی دیگر رایزنی با شورای امنیت جهت تشکیل کمیسیون غرامت به مثابه کمیسیون ۱۹۹۱ گام مهمی بردارد.

نتیجه‌گیری

تحولات مخاصمات معاصر نشان داده است که جنگ دیگر صرفاً در میدان نظامی تعریف نمی‌شود، بلکه عرصه‌های حقوقی، رسانه‌ای، اقتصادی، زیست‌محیطی، سایبری و شناختی نیز در شکل‌دهی به معادلات قدرت و مسئولیت

^۳. Pm 2.5

^۴. Toluene

^۵. xylene

^۶. کمیته تخصصی جنبه‌های محیط زیستی کمیته ملی سدهای بزرگ ایران، شهره صدری، کارشناس ارشد محیط زیست

^۵. لازم به ذکر است طی صدور قطعنامه ۶۸۷ شورای امنیت سازمان ملل رسماً عراق را طبق حقوق بین‌الملل مسئول هرگونه خسارت مستقیم از جمله خسارات زیست محیطی و تخریب منابع طبیعی ناشی از تهاجم به کویت دانست و F4 مسئول بررسی خسارات زیست محیطی توسط تیمی از کمیسیونرها شد و حدود ۴.۳ میلیارد دلار مشخصاً به کشورهای ایران اردن و کویت و عربستان جهن پروژه‌های اصلاح و بازسازی محیط زیست اختصاص یافت.

بین‌المللی نقش دارند. از این رو، مقابله با رفتارهای منتسب به ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند به تعقیب کیفری چند رفتار مشخص محدود شود، بلکه مستلزم بهره‌گیری هماهنگ از مجموعه‌ای از سازوکارهای حقوقی، نهادی و هنجاری است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حتی با وجود محدودیت‌های ساختاری و سیاسی سازوکارهای کلاسیک پاسخگویی، حقوق بین‌الملل ظرفیت‌هایی برای تثبیت مسئولیت، مستندسازی نقض‌ها، افزایش هزینه اقدامات متخلفانه و تقویت موقعیت حقوقی دولت زیان‌دیده فراهم می‌کند.

بررسی ظرفیت دیوان کیفری بین‌المللی نشان داد که محدودیت‌های ناشی از اصل رضایت دولت‌ها، صلاحیت شخصی دیوان، نقش شورای امنیت و موازنه‌های ژئوپلیتیک، در بسیاری موارد مانع تحقق کامل عدالت کیفری بین‌المللی می‌شود؛ با این حال، پذیرش صلاحیت موردی، ارجاع وضعیت، آغاز تحقیقات و رسیدگی، تثبیت ادله و ثبت وقایع در حافظه حقوقی جامعه بین‌المللی، حتی بدون صدور حکم نهایی یا دسترسی به متهمان، آثار مهم حقوقی و سیاسی دارد. از این منظر، فرایند کیفری می‌تواند به ابزاری برای تثبیت مسئولیت و افزایش هزینه سیاسی و اعتباری رفتارهای ناقض حقوق بین‌الملل تبدیل شود. صلاحیت جهانی نیز، با وجود موانعی چون مصونیت مقامات و دشواری اجرای احکام، همچنان ابزاری مهم برای مقابله با بی‌کیفرمانی است؛ زیرا گشایش پرونده، صدور تصمیمات قضایی، محدودیت تردد متهمان و تثبیت ادبیات حقوقی مسئولیت، حتی بدون محکومیت نهایی، می‌تواند آثار بازدارنده و مشروعیت‌زدا داشته باشد.

در خصوص تنگه هرمز، پژوهش نشان داد که رژیم عبور ترانزیتی و الزامات حقوق دریاها، محدودیت‌هایی بر اختیار دولت ساحلی ایجاد می‌کند؛ با این حال، در شرایط استثنایی می‌توان ظرفیت‌های حقوقی مرتبط با ضرورت، دفاع مشروع و اقدامات متقابل را بررسی کرد. بنابراین، ظرفیت حقوقی ایران بیش از «انسداد مطلق» تنگه، در بهره‌گیری محدود، متناسب، مشروع و موقت از ابزارهای حقوقی و سیاسی نهفته است؛ زیرا اقدامات نامتناسب می‌تواند زمینه مشروعیت‌بخشی به اقدامات طرف مقابل و افزایش فشار بین‌المللی علیه ایران را فراهم کند.

در حوزه سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته نیز مشخص شد که کمیسیون‌های تحقیق، نهادهای حقیقت‌یاب، گزارشگران ویژه و سازمان‌های تخصصی می‌توانند در تولید و تثبیت «حقیقت حقوقی» نقش مؤثری ایفا کنند. گزارش‌های این نهادها، به‌ویژه درباره حمله به غیرنظامیان، نقض حقوق کودکان، تخریب میراث فرهنگی و آسیب‌های زیست‌محیطی، افزون بر مستندسازی وقایع، می‌توانند در انتساب مسئولیت، تأمین ادله برای مراجع قضایی و افزایش فشار سیاسی و اعتباری بر ناقضان مؤثر باشند. از این رو، روایت حقوقی مستند می‌تواند آثاری ماندگارتر از پیروزی‌های مقطعی نظامی بر جای گذارد.

سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی و نمایندگی‌های دیپلماتیک نیز می‌توانند مکمل سازوکارهای رسمی باشند NGO ها. با اتکا به دسترسی میدانی، ظرفیت مستندسازی، استقلال نسبی و ارتباط با رسانه‌ها و نهادهای بین‌المللی، در تولید گزارش‌های تخصصی و انعکاس نقض‌ها مؤثرند. سفارتخانه‌ها نیز می‌توانند از طریق تعامل نظام‌مند با دانشگاهیان، اندیشکده‌ها، رسانه‌ها و نهادهای حقوق بشری و با انتشار اسناد و تبیین مواضع حقوقی کشور، در تقویت روایت حقوقی ایران نقش ایفا کنند.

برآیند پژوهش آن است که ترکیب ظرفیت‌های حقوق کیفری بین‌المللی، حقوق بین‌الملل عمومی و بشردوستانه، صلاحیت جهانی، سازوکارهای سازمان ملل، حقوق محیط زیست، مستندسازی و ظرفیت نهادهای غیردولتی و نمایندگی‌های دیپلماتیک، می‌تواند حتی در شرایط ناکارآمدی نسبی سازوکارهای کلاسیک عدالت، به افزایش هزینه نقض‌ها، تثبیت مسئولیت بین‌المللی و تقویت موقعیت حقوقی ایران منجر شود. بنابراین، حقوق بین‌الملل صرفاً زبانی اخلاقی و نمادین نیست، بلکه در صورت بهره‌گیری هوشمندانه، مستمر و هماهنگ، می‌تواند ابزاری برای مدیریت تعارض، حفظ حافظه حقوقی جانیات، مطالبه جبران خسارت و تقویت موقعیت راهبردی دولت‌ها باشد. در مخاصمات معاصر، قدرت دولت‌ها تنها در برتری نظامی خلاصه نمی‌شود، بلکه توانایی تبدیل وقایع و خسارات به ادعاهای حقوقی مستند و معتبر نیز بخشی از قدرت راهبردی آنان است.

منابع

الف- فارسی

۱. اسمعیلی، مرتضی و حیدری، کیارش (۱۴۰۴)، واکاوی الزام‌های حقوقی - سیاسی کاربست انسداد تنگه هرمز از سوی ایران در جنگ خاکستری با اسرائیل، مجله مطالعات حقوقی، دوره ۱۷، شماره ۴، ۱۸۷ تا ۲۲۶.
۲. بیگزاده، ابراهیم (۱۴۰۵)، نظام حقوقی تنگه هرمز، مرکز پژوهش‌های اتاق ایران (دفتر مطالعات کسب و کار)، تهران، کدگزارش: RC-1405-MBS-B2-AP1188
۳. بیگی، جمال و خوشیاری حاجی بابا، رزاق (۱۳۹۱)، بی‌کیفری مجرمان و مقابله با آن در آئینه حقوق بین‌الملل (با تأکید بر اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی)، همایش ملی حقوق بین‌الملل در آئینه علوم روز. SID. <https://sid.ir/paper/820686/fa>
۴. پرادل، ژرودلا (۱۳۸۸)، صلاحیت جهانی دادگاه‌های ایران در حقوق کیفری بین‌المللی، مترجم: هنجی، علی، دوره ۱۲، شماره ۵۰، ۵۸۹-۶۱۰.
۵. پورهایمی، عباس (۲۰۲۶)، دیدگاه‌های حقوقی در مورد امکان اعمال تعرفه‌ها و هزینه‌ها در تنگه هرمز (تحلیل رژیم حقوقی ترانزیت، حقوق حاکمیتی و چالش‌های حقوق بین‌الملل)، مجله الکترونیکی SSRN، موسسه کانادایی تخصص حقوق بین‌الملل (CIFILE)، موجود در: <https://ssrn.com/abstract=6505281> (دسترسی در ۳۰ مه ۲۰۲۶).
۶. داعی‌الاسلام، سعید (۱۴۰۱)، تحریم قضات دیوان کیفری بین‌المللی توسط ایالات متحده آمریکا در پرتو قواعد حقوق بین‌الملل، تمدن حقوقی، دوره ۵، شماره ۱۳، ۱۶۰-۱۳۹.
۷. دلاوری، ابوالفضل (۱۳۸۸)، نقش کمیسیون‌های حقیقت‌یاب در حل منازعات سیاسی و بین‌المللی، پژوهش حقوق و سیاست، دوره ۱۱، شماره ۲۶، ۱۵۱-۱۸۰.
۸. ذاکر حسین، محمدهادی (۱۳۹۹)، مفهوم و کارکرد قضیه در دیوان کیفری بین‌المللی، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره ۸، شماره ۱۶، ۱۹۱-۱۶۳.
۹. ذاکر حسین، محمد هادی (۱۳۹۸)، صلاحیت تکمیلی در رویه قضایی دیوان کیفری بین‌المللی؛ وحدت شخص و موضوع، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴۹، شماره ۲، ۳۷۳ تا ۳۹۵.
۱۰. ذکایی، محمدسعید (۱۴۰۳)، سیاست‌گذاری حافظه؛ مسائل، مناقشات و اولویت‌ها، مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۱۷، شماره ۱، ۷۹-۱۱۳.
۱۱. رضوی فرد، بهزاد (۱۴۰۴)، جرم‌شناسی جرایم و جنایات بین‌المللی؛ چالش‌های مطالعه جنایات بین‌المللی تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۲، شماره ۳، ۱۹۷-۲۴۱. doi: [10.22034/jclc.2025.2050931.1152](https://doi.org/10.22034/jclc.2025.2050931.1152)
۱۲. زمانی، قاسم و بلاغی، ابودر و اصلانی، ریحانه (۱۴۰۴)، اسرائیل و جنگ در غزه: نقض حقوق کودکان، مطالعات حقوق عمومی، مقاله آماده انتشار، ۱-۲۳.
۱۳. زمانی، قاسم و حسینی اکبرنژاد، هاله (۱۳۸۸)، اصل صلاحیت جهانی در آئینه دیوان کیفری بین‌المللی، پژوهش حقوق و سیاست، دوره ۱۱، شماره ۲۶، ۲۴۲ تا ۲۰۳.
۱۴. سیدزاده ثانی، مهدی و فرهادی، زهرا (۱۳۹۸)، جبران خسارت تخریب میراث فرهنگی در دیوان کیفری بین‌المللی با نگاهی به پرونده المهدی، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴۹، شماره ۱، ۱۱۱-۱۳۲.
۱۵. شریعت باقری، محمدجواد (۱۳۸۶)، ترجمه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، جلد اول، چاپ اول، تهران: جنگل
۱۶. شمعی، محمد؛ شهنائی، محمد و رضایی، آمنه (۱۴۰۴)، نقش کمیته‌های حقیقت‌یاب در اجرای موازین حقوق بشری، مطالعات حقوق عمومی، ۱-۲۴.
۱۷. صالحی، حمید؛ موسوی، محمدرضا و توتی، حسینعلی (۱۳۹۲)، بررسی متغیر ایران هراسی بر امنیت خلیج فارس، نهمین همایش ملی خلیج فارس، تهران، ۱۱۱-۱۲۶.

۱۸. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۹)، حقوق بین‌المللی عمومی، جلد اول، چاپ شصت و پنجم، تهران: گنج دانش
۱۹. طهماسبی، جواد (۱۳۹۵)، صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، جلد اول، چاپ اول، تهران: میزان
۲۰. عباسی، ابراهیم؛ نجات، علی و طالبی، صغری (۱۳۹۵)، الگوی امنیتی بازدارندگی در تنگه هرمز و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۵، شماره ۱۷، ۵۹ تا ۸۰
۲۱. غنی، کیوان و فروغی، فضل‌الله (۱۴۰۱)، اهداف و عوامل موثر در کیفردهی مرتکبان جنایات علیه میراث فرهنگی در پرتو پرونده المهدی و رویه دیوان کیفری بین‌المللی، آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۱۹، شماره ۲۴، ۲۶۱-۲۹۳
۲۲. فرجی، محمد (۱۴۰۳)، اقتضائات جنگ حقوقی برای دیوان کیفری بین‌المللی و بنیان‌های پارادایمی آن، آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۲۰، شماره ۲۶، ۳۷۹ تا ۴۱۲
۲۳. قاسمی، غلامعلی و تسخیری، محمد صالح (۱۳۹۵)، شخصیت حقوقی سازمان‌های غیردولتی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۹، شماره ۵۵، ۲۱۵-۲۴۳
۲۴. قلی‌پور، غلامرضا و نسرین، مهرا (۱۳۹۹)، جنایت اکوساید؛ گذشته، حال و آینده، پژوهش حقوق کیفری، دوره ۸، شماره ۳۰، ۴۳-۸۱
۲۵. قیاسی، جلال‌الدین و محترم قلاتی، ایمان (۱۳۹۶)، تحلیل عنصر محور رکن معنوی جنایات عمدی در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، پژوهش حقوق کیفری، دوره ۶، شماره ۲۱، ۱۵۵-۱۹۶
۲۶. کیتیچایساری (شیایریزی)، کریانگ ساک (۱۳۹۲)، حقوق بین‌المللی کیفری، ترجمه: یوسفیان، بهنام و اسماعیلی، محمد، جلد اول، چاپ سوم، تهران: سمت
۲۷. گمار مکرپی، زهرا و نیکخواه سرنقی، رضا (۱۴۰۴)، تحلیل نقش مستندات و احکام کیفری بین‌المللی در تقویت پرونده مطالبه غرامات جنگی ایران علیه اسرائیل؛ مطالبه موردی جنگ دوازده روزه، مجموعه مقالات شانزدهمین کنفرانس بین‌المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق، تهران؛ ایران، ۲۴۴ تا ۲۵۵
۲۸. محقق داماد، سید مصطفی و درویش زاده محمد (۱۴۰۵) فراخوانی برای تحلیل کیفری و جرم‌شناختی تجاوز اسرامریکا به ایران؛ از بین الگوهای جنایی تا تدوین مدل های تعقیب کیفری، دو سالنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۳، شماره ۵، ۲۴۰-۳۷. doi: 10.22034/jclc.2026.738761
۲۹. مخفم ناصر اسلامی، نگار و مؤمنی‌راد، احمد (۱۳۹۸)، سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و نقش آن‌ها در حقوق بشر؛ «مطالعه موردی دیده بان حقوق بشر»، فصلنامه تعالی حقوق، دوره ۵، شماره ۲، ۱۴۳-۱۶۸
۳۰. موسوی، فضل‌الله و عسگری، امیرحسین (۱۴۰۴)، بررسی تطبیقی جایگاه حفاظت از محیط زیست در حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تمدن حقوقی، دوره ۸، شماره ۲۴، ۲۵-۵۴
۳۱. مؤمنی، مهدی (۱۳۹۶)، ارزیابی اعمال صلاحیت جزایی ایران و دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به جنایات ارتكابی داعش در سوریه و عراق، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۱، شماره ۱، ۱۵۰ تا ۱۷۶
۳۲. میرجعفری، سیدحسین؛ زرنشان، شهرام و رحمتی‌فر، سمانه (۱۴۰۲)، صلاحیت جهانی دادگاه‌های ایران در حقوق بین‌المللی کیفری، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۳، شماره ۳، ۱۶۵۳-۱۶۷۵
۳۳. نژندی‌منش، هیبت‌الله؛ علویان، مطلب و دادگر، علی (۱۳۹۵) سازوکارهای دیوان کیفری بین‌المللی برای مبارزه با بی‌کیفرمانی، فصلنامه قضاوت، دوره ۱۶، شماره ۸۸، ۹۱-۱۱۴

References

1. Abbasi, E., Nejat, A., & Talebi, S. (2016). Deterrence security model in the Strait of Hormuz and national security of the Islamic Republic of Iran. *Strategic Policy Research*, 5(17), 59–80. (in Persian)
2. Atilgan Pazvantoglu, C. (2025). Ecocide as a separate crime under the Rome Statute: A legal analysis of the discourse. *Environmental Policy and Law*, 55(2–3), 57–67.
3. Banteka, N. (2016). Mind the gap: A systematic approach to the International Criminal Court's arrest warrants enforcement problem. *Cornell International Law Journal*, 49(3), 521–563.
4. Becker, M. A. (2025). Recent developments in reliance upon third-party fact-finding at the International Court of Justice. *Leiden Journal of International Law*, 38(3), 617–640.
5. Beygi, J., & Khoshyari Hajibaba, R. (2012). Impunity of criminals and combating it in the mirror of international law (with emphasis on the Rome Statute of the International Criminal Court). National Conference on International Law in the Light of Modern Sciences. SID. <https://sid.ir/paper/820686/fa>. (in Persian)
6. Beigzadeh, E. (2026). *Legal regime of the Strait of Hormuz*. Iran Chamber Research Center (Business Studies Office), Report Code: RC-1405-MBS-B2-AP1188. (in Persian)
7. Coco, A. (2020). Article 13 ICC Statute – Exercise of jurisdiction. In M. Klamberg & J. Nilsson (Eds.), *Commentary on the law of the International Criminal Court*. CILRAP / Lexisnexus.

8. Da'ei al-Islam, S. (2022). Sanctions against judges of the International Criminal Court by the United States in light of international law rules. *Legal Civilization*, 5(13), 139–160. (in Persian)
9. Delavari, A. (2009). The role of truth-seeking commissions in resolving political and international disputes. *Law and Policy Research*, 11(26), 151–180. (in Persian)
10. Esmacili, M., & Heydari, K. (2025). Analyzing the legal-political requirements of Iran's closure of the Strait of Hormuz in the gray war with Israel. *Journal of Legal Studies*, 17(4), 187–226. (in Persian)
11. Faraji, M. (2024). Requirements of legal warfare for the International Criminal Court and its paradigmatic foundations. *Criminal Law Doctrines*, 20(26), 379–412. (in Persian)
12. Ferey, A. (2018). Droit de la guerre ou guerre du droit? Réflexion française sur le lawfare. *Revue Défense Nationale*, 1(806), 55–60. (in French)
13. Ghani, K., & Foroughi, F. (2022). Objectives and effective factors in sentencing perpetrators of crimes against cultural heritage in light of the Al-Mahdi case and the jurisprudence of the International Criminal Court. *Criminal Law Doctrines*, 19(24), 261–293. (in Persian)
14. Ghasemi, G., & Tashkhiri, M. S. (2016). Legal personality of non-governmental organizations. *Public Law Research Quarterly*, 19(55), 215–243. (in Persian)
15. Ghiyasi, J. al-D., & Mohtaram Ghalati, I. (2017). Analysis of the element-based approach to the mental element of intentional crimes within the jurisdiction of the International Criminal Court. *Criminal Law Research*, 6(21), 155–196. (in Persian)
16. Giannoulis, G. (Ed.). (2023). *Handbook on maritime hybrid threats: 15 scenarios and legal scans* (2nd ed.). The European Centre of Excellence for Countering Hybrid Threats (Hybrid CoE).
17. Gholipour, G., & Nasrin, M. (2020). The crime of ecocide; Past, present and future. *Criminal Law Research*, 8(30), 43–81. (in Persian)
18. Gomar Mokerbi, Z., & Nikkhah Sarnaghi, R. (2025). Analysis of the role of international criminal documents and judgments in strengthening Iran's case for war reparations against Israel; A case study of the twelve-day war. *Proceedings of the 16th International and National Conference on Management, Accounting and Law Studies*, Tehran, Iran, 244–255. (in Persian)
19. Hajdin, N. (2021). What is hybrid war? The terminology used to describe modern warfare and current authority under international law. *Stockholm Faculty of Law Research (Juridisk Publication)*, (2), 227–243.
20. Hobbs, P. (2020). The catalysing effect of the Rome Statute in Africa: Positive complementarity and self-referral. *Criminal Law Forum*, 31(3), 345–376.
21. International Criminal Court, Appeals Chamber, Prosecutor v. Laurent Gbagbo, Judgment on the Declaration of Acceptance of Jurisdiction under Article 12(3) of the Rome Statute, 12 December 2012, para. 1.
22. International Criminal Court, Office of the Prosecutor ‘2015 ‘“ICC Prosecutor Extends Preliminary Examination of the Situation in Ukraine Following Second Article 12(3) Declaration” ‘Press Release No. ICC-OTP-20150929-PR1156’ ‘September 2015 ‘The Hague ‘Available at: ICC Official Website
23. International Criminal Court, Office of the Prosecutor ‘2020 ‘“Statement of the Prosecutor of the International Criminal Court, Mrs Fatou Bensouda, on the Referral by Bolivia Regarding the Situation in its Own Territory” Official Statement, September 2020 ‘The Hague ‘Available at: ICC Official Website
24. Kittichaisaree, K. (2013). *International criminal law* (B. Yousefian & M. Esmacili, Trans., Vol. 1, 3rd ed.). SAMT Publications.
25. Lott, A., & Kawagishi, S. (2022). The legal regime of the Strait of Hormuz and attacks against oil tankers: Law of the sea and law on the use of force perspectives. *Ocean Development & International Law*, 53(2–3), 123–146.

26. Mirjafari, S. H., Zarneshan, S., & Rahmatifar, S. (2023). Universal jurisdiction of Iranian courts in international criminal law. *Public Law Studies*, 53(3), 1653–1675. (in Persian)
27. Mofakham Naser Eslami, N., & Momeni Rad, A. (2019). International non-governmental organizations and their role in human rights; "Case study of Human Rights Watch". *Excellence in Law Quarterly*, 5(2), 143–168. (in Persian)
28. Mohaghegh Damad, S. M., & Darvishzadeh, M. (2026). A call for criminal and criminological analysis of the Isra-America aggression against Iran; From identifying criminal patterns to developing models of criminal prosecution. *Biannual Journal of Research and Development in Criminal Law and Criminology*, 3(5), 237–240. Doi: [10.22034/jclc.2026.738761](https://doi.org/10.22034/jclc.2026.738761) (in Persian)
29. Momeni, M. (2017). Assessment of the exercise of criminal jurisdiction by Iran and the International Criminal Court over crimes committed by ISIS in Syria and Iraq. *Comparative Law Research*, 21(1), 150–176. (in Persian)
30. Moss, L. (2012). *The UN Security Council and the International Criminal Court: Towards a more principled relationship*. Friedrich-Ebert-Stiftung.
31. Mousavi, F., & Askari, A. (2025). A comparative study of the status of environmental protection in international human rights law and international humanitarian law. *Legal Civilization*, 8(24), 25–54. (in Persian)
32. Nejandimanesh, H., Alaviyan, M., & Dadgar, A. (2016). Mechanisms of the International Criminal Court for combating impunity. *Judgement Quarterly*, 16(88), 91–114. (in Persian)
33. Pourehashemi, A. (2026). Legal perspectives on the possibility of imposing tariffs and charges in the Strait of Hormuz (Analysis of the legal regime of transit, sovereign rights, and international law challenges). *SSRN Electronic Journal*, Canadian Institute for International Law Expertise (CIFILE). <https://ssrn.com/abstract=6505281>. (Accessed 30 May 2026).(in Persian)
34. Pradel, J. (2009). Universal jurisdiction of Iranian courts in international criminal law (A. Hanjani, Trans.). *12*(50), 589–610.
35. Razavifard, B. (2025). Criminology of international crimes and offenses; Challenges of studying international crimes. *Research and Development in Criminal Law and Criminology*, 2(3), 197–241. Doi: [10.22034/jclc.2025.2050931.1152](https://doi.org/10.22034/jclc.2025.2050931.1152) (in Persian)
36. Rudall, J. (2020). *Compensation for environmental damage under international law* (Routledge Research in International Environmental Law Series, 1st ed.). Routledge.
37. Salehi, H., Mousavi, M. R., & Touti, H. A. (2013). Examining the Iranophobia variable on the security of the Persian Gulf. *9th National Conference on the Persian Gulf*, Tehran, 111–126. (in Persian)
38. Seyedzadeh Sani, M., & Farhadi, Z. (2019). Compensation for destruction of cultural heritage in the International Criminal Court with a view to the Al-Mahdi case. *Criminal Law and Criminology Studies*, 49(1), 111–132. (in Persian)
39. Shamaee, M., Shahangi, M., & Rezaee, A. (2025). The role of fact-finding committees in the implementation of human rights standards. *Public Law Studies*, 1–24. (in Persian)
40. Shariat Bagheri, M. J. (2007). *Translation of the Rome Statute of the International Criminal Court* (Vol. 1, 1st ed.). Jungle Publications. (in Persian)
41. Tahmasebi, J. (2016). *Jurisdiction of the International Criminal Court* (Vol. 1, 1st ed.). Mizan Publications. (in Persian)
42. Thakur, R. (2010). Law, legitimacy and the United Nations. *Melbourne Journal of International Law*, 11(1), 1–26.
43. United Nations General Assembly, 2022, Resolution 76/300, The Human Right to a Clean, Healthy and Sustainable Environment, A/RES/76/300, 28 July 2022.
44. Zakerhossein, M. H. (2019). Complementary jurisdiction in the jurisprudence of the International Criminal Court; Unity of person and subject. *Criminal Law and Criminology Studies*, 49(2), 373–395. (in Persian)

45. Zakerhossein, M. H. (2020). The concept and function of the case in the International Criminal Court. *Criminal Law and Criminology Research*, 8(16), 163–191. (in Persian)
46. Zamani, G., Ballaghi, A., & Aslani, R. (2025). Israel and the war in Gaza: Violation of children's rights. *Public Law Studies*, Forthcoming, 1–23. (in Persian)
47. Zamani, G., & Hosseini Akbarnejad, H. (2009). The principle of universal jurisdiction in the mirror of the International Criminal Court. *Law and Policy Research*, 11(26), 203–242. (in Persian)
48. Ziaei Bigdeli, M. R. (2020). *Public international law* (Vol. 1, 65th ed.). Ganje Danesh Publications. (in Persian)
49. Zokaei, M. S. (2024). Memory policy; Issues, controversies and priorities. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 17(1), 79–113. (in Persian)

پذیرفته شده | در انتظار انتشار | نسخه اولیه | ویراستاری نشده
Accepted | Awaiting Publication | Early Version | Not Copyedited